

آمریکابا انقلاب ایران سرآشتی ندارد و نمیتواند داشته باشد

☆ همه اظهارات مقامات امریکائی هم این واقعیت را تایید می کنند که «مسئله گروگانها» پهنانه ای بیش نبوده است. امریکا ایران را میخواهد!
☆ بدنبال حل شدن «مسئله گروگانها»، پهنانه جدید امریکا علیه انقلاب ایران «خطر شوروی» است!

هارولد براون، وزیر دفاع دولت کارتر، طی یک نطق خداحافظی، که جمعه شب در پنتاگون ایراد کرد، بار دیگر چهره واقعی امریکالیسم آمریکا را به نمایش گذارد و نیت واقعی آنرا درباره ایران بیان کرد. هارولد براون طی این سخنرانی، با صراحت یک کرک درنده و سیری-ناپذیر، (با کلمات خود) اعلام داشت: آمریکا ایران را می-خواهد!

هارولد براون گفت: «آزادی گروگانها، ایران و آمریکا را فوراً به یار و غار یکدیگر تبدیل نمیکند و همچنین این امر بمنزله آن نیست که نقش ایران بعنوان مهابری بسر

فصاحت شوروی در منطقه نفت خیز خلیج فارس احیا شوند. هارولد براون افزود:

«آمریکا باید تاسیس سپاه واکنش سریع را به سرعت دنبال کند، تا از منافع خودحراست نماید. باید پیوندهای نظامی در منطقه با کشورهای مانند عربستان را گسترش داد. باید با کشورهای خلیج فارس همکاری کنیم، تا بینیم چه چیزی از نظر سیاسی قابل قبول است.»

داستان امریکالیسم آمریکا و انقلاب ایران، داستان آن کرک درنده ایست که برای دریدن طعمه بی آزار خود، بدنبال «دلایل» قانع کننده، می گشت و سرانجام به این «دلیل» که وی شب را

شب نامیده بود، و این از نظر «منطق کرک» «غیر قابل قبول» می نمود، به وی یورش برد و او را از هم درید.

آری، کرک هار و درنده امریکالیسم آمریکا ایران را می خواهد و نه کمتر.

بالاخر از آن، امریکا همه دنیا را میخواهد، هر چند که از خواستن تا توانستن فاصله بعمیدی است. او کوبا، ویتنام، لاوس، کامبوجیا، آنگولا و... را نیز میخواست، اما نتوانست و بالاخره اکنون ایران را نیز میخواهد، که خلق و رهبر آن، آگاه و هشیار و قاطع ایستاده اند و او را ناامید خواهند کرد.

بقیه در صفحه ۷



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۲۵
چهارشنبه ۱ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با
۱۴ ربیع الاول ۱۴۰۱، بها: ۱۵۰ ریال

امام خمینی: ما که میخواستیم وابسته نباشیم، باید اول پیدا شویم...

پیش از ظهر روز یکشنبه ۲۸ دیماه ۵۹، گروهی از کارگران و کارمندان چاپخانه ۱۷ شهریزورگروهی از اعضای صنایع دفاع ملی و دیگر اقشار مردم، در حسینیه جماران، با امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران دیدار کردند.
امام خمینی در سخنان خود خطاب به حاضران، با اشاره باینکه تبلیغات غرب میخواست بما بقبولاند که ملت ما شخصیتی ندارد و قادر به هیچ کاری نیست، گفتند:
«این طرز فکر ما را آطور عقب نشانده بود که اعتقادمان بود که اصلاً از ما کاری ساخته نیست. ارتش ما اگر نخواهد ارتش بشود، مستشار لازم دارد از آمریکا یا از اروپا. باید بقیه در صفحه ۴

مرحله دوم جیره بندی راه رچه سریعتر به اجرا در آوریم

باید شبکه توزیع تعاونی و دولتی را گسترش داد و کالاهای جیره بندی شده را سریعتر و نزدیکتر به مصرف کننده زحمتکش رساند.

از وعده اجرای مرحله دوم جیره بندی، که طبق آن ۱۰ رقم دیگر به کالاهای ضروری افزوده خواهد شد، چندین هفته می گذرد. معذک این وعده که مردم، بخصوص توده های زحمتکش شهر و روستا، در انتظار اجرای آن هستند، به امروز و فردا موکول میگردد. باید در اجرای این طرح شتاب بخیزد و بدینوسیله در سبک کردن بار گرانی و تامین مایحتاج اولیه به خانواده های زحمتکش کمک کرد.

هشدار فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - در مورد تدارک ضد انقلاب برای حمله به ارومیه

فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - سازمان ارومیه با انتشار اعلامیه ای، مورخ ۲۲ دی ماه ۵۹ در مورد تکوین توطئه های خطرناک ضدانقلاب در آذربایجان غربی هشدار داد. در این اعلامیه آمده است:
فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - سازمان ارومیه با انتشار اعلامیه ای، مورخ ۲۲ دی ماه ۵۹ در مورد تکوین توطئه های خطرناک ضدانقلاب در آذربایجان غربی هشدار داد. در این اعلامیه آمده است:
همشهریان مبارز و انقلابی! انقلاب شکوهمند مردم ایران و نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران، تاکنون توطئه های رنگارنگ و متعدد «شیطان بزرگ» - امریکالیسم آمریکا، و ایادی آشکار و نهانش را پشت سر نهاده است. ششمن توطئه

رزمندگان دلاور ایران ضربات جدیدی بر دشمن وارد کردند

نیروهای دلاور ایران تاسیسات نفتی بندر فاو در خاک عراق را به موشک بستند و خطوط تدارکاتی و مواضع دشمن را در غرب خونین شهر بمباران کردند. مبارزان ایران روز گذشته تعدادی از سنگرهای تجاوزگران صدامی را در منطقه اروندان در بقیه در صفحه ۴

تسلیت و همدردی صمیمانه

محمدحسن قدوسی، جان خود را در جبهه نبرد با تجاوزگران صدامی نثار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کرد. شهادت این رزمنده دلیر را به پدر داغدار او، حجت الاسلام والمصلین آقاسی قدوسی، دادستان کل انقلاب، و خانواده محترم قدوسی صمیمانه تسلیت میگوئیم.

رفیق توده ای در مهاباد آزاد شد

بازیگر شادمانقصر، یکی از هواداران حزب توده ایران، که هنگام بردن نامه «مردم» به مهاباد، در راه ارومیه به مهاباد، توسط باند قاسملو دستگیر شده بود، آزاد شده است.

کجامیروی؟!؟!!

کجا میبرندت کجا میروی؟
نگر تا مبادا خطا میروی؟!
بر این گله، گمگان کمین کرده اند
تو ای بره تنها کجا میروی؟!
همه خلق بر راه حق میرویم
تو ناحق نه بر راه ما میروی.
منه دست در دست آلودگان
که ناگاه بی دست و پا میروی
سرودی تو برخاک افتادگان
کدتا میروی پارسا میروی.
کنون خلق درگیر با خصم را
نهاده درین تنگنا، میروی.
مبادا که شیطان به پیچاندت
ز راهی که بهر خدا میروی؟!
وفایت کجا رفت ای بی وفا
که از باو فایان جدا میروی؟!
ز نامردمان کج رویها رواست
دریغ از تو گر ناروا میروی!

۶ دیماه ۱۳۵۹
سیاوش کسرائی

در صفحات بعد

تحریف و جعل اخبار بخاطر خدمت به جنگ روانی

چرخش ناگهانی در سیاست آمریکا
صفحه ۳
اهالی روستاهای دهستان مهر بان آماده شرکت در
بسیج عمومی اند
صفحه ۵
عدم ایمنی در تونلهای زغال سنگ زرنند باعث
کشته شدن چهار کارگر شد
صفحه ۴

برای مبارزه با امریکالیسم در ایران، متحد شویم!

امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱

مستشارانی بیاند تا ارتش ما را بتواند سرور- سامان بدهند. ما راجع به صنایع اصلا نباید صحبتش را بکنیم. ما یک ملت لوله‌نگساز هستیم. ما نسبت به صنایع اصلا نباید صحبت بکنیم. این صنایع در دست بعهده اروپائیان و آمریکائیان است.

امام خمینی یادکرد اینک: «ملتی که بخواهد سربازی خود بایستد و اداره کشور خودش را خودش بکند، لازم است که اول بیدار شود»، گفتند:

«اگر ما از این خواب بیدار نشویم، هرچه فریاد هم بزنیم فایده ندارد. شعارها فایده ندارد و آن شعاری فایده دارد که از روی علم باشد و توجه البته در یک انقلابی و در یک نهضتی اولش شعارها هست که این نهضت را به پیش می‌برد و اگر آن شعارها نباشد انقلاب نمیتواند پیش برود. لکن بعد از اینکه انقلاب پیروز شد، باید عمل کرد».

امام خمینی تاکید کردند که: «ما که میخواهیم وابسته نباشیم باید اول بیدار بشویم باینکه ما خودمان هم شخصیت داریم ما میتوانیم کار انجام بدهیم».

امام خمینی با تاکید براینکه: «ما الان در اول قدم هستیم و باید کوشش کنیم و همه ما کوشش کنیم، همه ملت کوشش کنند، هر کس در هر جا که هست کوشش کند و کوششش این باشد که ما باید وابسته نباشیم»، گفتند: «خواستید که سلطنت جائز پهلوی نباشد و ازین رفت. خواستید که قدرت‌های دیگر

بر شما و برذخایر شما سلطه نداشته باشند، همینطور شدوالاتن سلطه ندارند. بخواهید که خودتان اداره کنید، مملکت خودتان را بخواهید که کمک کنید به دولت - تضعیف نکنید دولت را - تضعیف نکنید اشخاصی که خدمتگذار هستند. تمام این اشخاصی که الان مشغول کار هستند، اینها خدمت به شما و ملت شما می‌کنند. درصدد نباشید که این گروه - آن گروه را عقب بزنند و آن گروه - این گروه را.

● همه درصدد این معنا باشید که با هم این کشور را اداره کنید و این مردم را بیدار کنید. من طرفدار تمام قشرهایی هستم که به این کشور دارند خدمت می‌کنند.

امام خمینی افزودند: «اشخاصی که در ارتش الان دارند خدمت میکنند، در ژاندارمری خدمت میکنند، در سپاه پاسداران دارند خدمت می‌کنند، در بسیج دارند خدمت می‌کنند، کمیته‌هایی که دارند خدمت میکنند، همه اینها الان خدمتگزارند. البته در هر دسته و هر جمعیتی پیدا می‌شوند بعضی از اشخاص غیر صالح. نباید اگر در یک جمعیتی یک آدم غیر صالح پیدا شد، تمام آن گروه‌ها را بگوییم و نباید بدون دلیل و بدون شاهد، یک مطلبی را قبول بکنیم».

امام خمینی در پایان سخنان خود از همکاران خواستند: «اگر بخواهید که کشورتان مستقل باشد، اگر بخواهید که کشورتان روی پای خودش بایستد و بخواهید آزاد باشید، باید از اینطور مناقشات دست بردارید و همه نظر حسن بکنید و برادروار همه کمک بکنید تا این کشور به مقصد خودش برسد».

مرحله دوم...

بقیه از صفحه ۱

توانستند نیازمندی خود را به این کالاها، با اطمینان خاطر و با پرداخت قیمت‌هایی که تحویل به بودجه آنها نیست، تامین کنند.

جیره‌بندی هم چنین به مقامات دولتی امکان داد که در این زمینه‌ها به صرفه‌جویی قبایل ملاحظه در واردات نازل گردند و زمینه را برای توسعه تولید داخلی آماده سازند. مثلا، طبق گفته مدیر کل سازمان قند و شکر، طرح جیره‌بندی باعث شده است که تا حدود ۵۰ درصد در واردات قند و شکر صرفه‌جویی شود و مقامات مسئول طرح افزایش سریع سطح زیر کشت چغندر قند و تولید داخلی آن را مورد بررسی جدی قرار دهند.

جیره‌بندی نه فقط به توزیع عادلانه کالاها کمک می‌کند و قیمت‌ها را ثابت نگاه می‌دارد، بلکه اهم مهمی در قطع وابستگی به خارج است.

با در نظر گرفتن جبهاتی که به آنها اشاره شد، تصادفی نیست که مردم زحمتکش و استقلال طلب بی‌صبرانه در انتظار اجرای مرحله دوم جیره‌بندی هستند. انتظار توده‌های وسیع مردم بدرستی آنست که در این مرحله، کالاها، های اساسی دیگر، نظیر برنج، گوشت، تخم مرغ، حبوبات، لبنیات، صابون و نظایر آنها، که در بودجه خانواده‌های زحمتکش اهمیت درجه اول دارند، جیره‌بندی و سرعیا در دسترس آنها گذارده شود.

باید گفت که قیمت این کالاها از جانب بخش خصوصی بطرز سرسام‌آوری بالا برده شده و بدرجه‌ای رسیده که دیگر تامین ساده‌ترین غذای خانواده‌های زحمتکش بدشواری میسر می‌گردد.

با جیره‌بندی سریع این کالاها و توزیع سهل‌الموصول آنها با قیمت‌های ثابت، باید هرچه زودتر در مورد دریافت این کالاها به خانواده‌های زحمتکش کمک کرد و سد جدی قابل اطمینانی در برابر بالا بردن قیمت این کالاها ایجاد نمود. در جریان توزیع کالاها در مرحله اول جیره‌بندی، مشکلاتی بروز کرد که اینک می‌توان، با درپیش گرفتن راه‌حل‌های اصولی، تا حد زیادی آن مشکلات را مرتفع ساخت. مثلا، در جریان مرحله اول جیره‌بندی، قند و شکر کارگران کارخانه‌ها، بجای آنکه از طریق شرکت‌های تعاونی مصرف آنان توزیع گردد، به مغازه‌داران تحویل گردید. این امر باعث شد که کارگران و خانواده‌های آنان برای دریافت جیره قند و شکر خود به مغازه‌ها رو آورند، که متاسفانه غالبا در توزیع و تقسیم کالاها جیره‌بندی شده بدرستی و با امانت عمل نمی‌کنند.

باید توجه داشت که توزیع کالاها جیره‌بندی بطور عمده باید از طریق شبکه تعاونی و دولتی صورت گیرد، تا رسانیدن کالاها ضروری به مصرف‌کنندگان زحمتکش

هشدار...

بقیه از صفحه ۱

آذربایجان، تشدید فعالیت‌های افراد بختیار، اویسی، پالیزبان و داروخته قاسملو و کومله و خلق مسلمانها در این روزها، ایجاد اردوگاه در مرز ایران و ترکیه متشکل از نیروهای بختیار که رئیس حزب منجمله رستخیز در بین آنهاست و اعلام آمادگی جهت حمله، سرعت از بانک فرهنگیان ارومیه، چسپاندن عکس‌های شاه ملعون و پسرش در معابر عمومی در ارومیه و غیره، از جمله اقداماتی است که نشان دهنده تدارک وسیع ضدانقلاب برای حمله به ارومیه و اطراف آن است، که خود قسمتی از نقشه وسیع براندازی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد.

ما به تمام مسئولین جمهوری اسلامی ایران و کلیه نیروهای انقلابی هشدار میدهم! لحظه حساس و خطرناکست. منافع خلق و انقلاب ایجاب می‌کند که برای حفظ دستاوردهای انقلاب، با هوشیاری و آمادگی کامل، علاوه بر اتخاذ تدابیر جدی در جهت سرکوبی ضدانقلاب و طرد عوامل مشکوکی که متاسفانه در نهادهای انقلابی رخنه کرده‌اند، زمینه را برای فعالیت ضدانقلاب هموار می‌سازند، با گردهمایی و بسیج نیروهای لایزال خلق، زیر رهبری امام خمینی، این توطئه ضدانقلاب را نیز درهم شکنیم.

این هفته در نامه «مردم» به زبان کردی میخوانید:

- ... چنین بود که ضحفا از هم جدا شدند
- درباره سفر ضیاءالحق به ۶ کشور وابسته به امپریالیسم در منطقه
- امپریالیسم آمریکا می‌کوشد با ایجاد یک اتحادیه نظامی انقلاب ایران را هدف قرار دهد.
- درباره سخنان اخیر آقای مهندس میرسلیم، معاون سیاسی وزارت کشور
- دفاقر حزب توده ایران را بازپس دهید!
- هشدار سازمان حزب توده ایران در سنجید درباره تشدید فعالیت ضدانقلاب میان دانش-آموزان دبیرستانهای کردستان
- اعلامیه سازمان حزب توده ایران در پانه
- مشاور ریگان نقشه اشغال ایران را مطرح کرد
- پیام سازمان جوانان توده ایران به اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی (کوپس) به مناسبت شانزدهمین سال انقلاب فلسطین
- هرچه سریعتر زمینهای زراعتی کردستان را به زارعین واگذار کنید
- در عراق چه می‌گذرد؟ و اخبار، داستان طنز، شعر.

فعالیت ضد انقلابی گروهک‌های مائوئیستی - امریکائی در کرج

گروهک‌های مائوئیستی - امریکائی در کرج هم، مانند نقاط دیگر ایران، می‌کوشند که با اجرای سناریوی «خواب‌گن» حمله نظامی «گن»، اذنان مردم را از خطر اصلی منحرف سازند و زمینه را برای توطئه هفتم آمریکا آماده کنند. در متن این توطئه‌ها حرکت اسلامی افغانستان، که چندی پیش رهبران آن بدست‌بوس سادات رفتند، نمایشگاهی در کرج برپا کرده‌است. در سرتاسر این نمایشگاه کلمه‌ای از توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه ایران و تشبیهات این جرثومه فساد علیه افغانستان دیده نمی‌شود. تنها چیزی که در این نمایشگاه می‌توان دید این است که: خطر آمریکا جدی نیست، اما «خطر شوروی» جدی

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کی‌منش ربه شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

بیش از پیش ضرور است. باید هرچه سریعتر راه را بر این فعالیت‌های آشکارا ضد انقلابی بست. ما بنوبه خود، با توجه به خطر فوری و جدی امپریالیسم آمریکا، از نهادهای انقلابی می‌خواهیم که توجه کافی به این مسئله مبذول دارند.

تغییر ناگهانی در خط مشی سیاسی ایالات متحده آمریکا، که در دسامبر سال ۱۹۷۹ از جانب کارتر رئیس جمهور آمریکا اعلام شد، برای مفسران روزنامه های آمریکا بی غیر مترقبه بود. آنان را دچار حیرت کرد. این چرخش در روابط ایالات متحده آمریکا با اتحاد شوروی، و به عقیده بسیاری از مفسران، حتی در روابط آمریکا با بخشی از متحدین او شکافی جدید آورد. اما به هر جهت این چرخش می بایست بگونه ای توجیه شود، و برای توجیه آن مفسران آمریکایی تمام کوشش خود را به کار بردند، آن ها این چرخش را چنین توجیه کردند که گویا علت آن "عدم تفاهم" میان مقامات رهبری شوروی با آمریکا است. مفسران و روزنامه نگاران آمریکایی صداهای خوانندگان خود تلقین می کردند که در اثر عدم تفاهم و عدم درک نیت آمریکا و به ویژه جریان و تشریفات تصمیم گیری از جانب آمریکا، این بحران پدید آمده است. آن ها اعلام می کردند که برای "روس ها" باید روشن باشد که اقدام آنها در افغانستان از جانب کارتر بدون عکس العمل نخواهد ماند و به همین جهت گویا مسئولیت پدید آمدن چنین وضعی کاملاً بر عهده آنهاست. در یکی از گزارش ها در باره چگونگی روابط شوروی و آمریکا بدستور اداره روابط بین المللی، تا قبل از رویدادهای افغانستان تنظیم گردیده، سیاست کارتر یک سیاست روشن، درست و معقول، که نیازی به هیچگونه توجیهی ندارد و سیاست شوروی، سیاستی مبتنی بر تصورات نادرست از زندگی سیاسی آمریکا ترسیم شده است.

فلورالوئیز، خبرنگار ویژه "نیویورک تایمز" در اروپا، زمانی که در روزهای مسابقات ورزشی المپیک به مسکو آمد، به این مطلب پی برد که "این عدم درک خطرناک" از جانب دیگری است. او با یک زن آمریکایی از شهر "فینیکس"، که به قصد تماشای بازی های المپیک به مسکو آمده بود، ملاقات کرد و این زن آمریکایی اظهار داشت که از مسافرت به اتحاد شوروی و اقامت در مسکو بسیار راضی است و به این مطلب پی برده است که اتحاد شوروی با آن تصویری که تا قبل از این مسافرت درباره آن داشته است بهیچوجه شباهت ندارد و پیشین حاصل کرده است که، در اتحاد شوروی، در همه جا مظاهر آزادی کامل را می توان مشاهده کرد. این زن آمریکایی می گوید که تا قبل از مسافرت به اتحاد شوروی گمراه بوده است و فلورالوئیز، خبرنگار "نیویورک تایمز" می افزاید: "حالا هم گمراه است". (نیویورک تایمز، ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۵)

من قصد ندارم در باره این مسئله و اظهار نظرهایی که به آن ها اشاره شد، به بحث بپردازم. اما می خواهم روی تصورات مطبوعات بورژوازی آمریکادر مورد واقعیت اتحاد شوروی تکیه کنم. این مسئله تاریخ دیرینه و در واقع شست و سه ساله دارد، یعنی از لحظه پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آغاز می شود، که در ارتباط با رویداد های سال جاری، به نحوی برجسته و روشن، متجلی گردید.

بلاژیک را به تصرف در آورده اند، به عملیات وحشیانه ای پرداخته و از جمله دست های کودکان بلاژیکی را قطع کرده اند. مردم بی اطلاع آمریکا از شنیدن این اخبار عمیقاً متاثر و خشمگین شدند و از این لحظه زمام داران آمریکا، با استفاده از این روحيات، موفق شدند که افکار عمومی را تغییر دهند و بزودی سربازان آمریکایی به صحنه های جنگ اعزام شدند و بسیاری از آنها هرگز به خانه های خود بازنگشتند. اما واقعیت این بود که دست هیچ کودکی، از آن جمله کودکان بلاژیکی، قطع نشده بود. زمانی که این قضیه روشن شد، دیگر جنگ خاتمه یافته بود و ما پیروز شده بودیم. خبرنگارانی، مانند گزارشگرها و آنا، که از آن یاد شد، و یا مشاور مطبوعاتی رئیس جمهور ویلسون، غیب گویان نسل کنونی روزنامه نگاران آمریکایی بودند، که اکنون نیز هر روز "اخباری" به ایالات متحده آمریکا می فرستند، و این اخبار مثلاً باید آن زن اهل "فینیکس" در "آریزونا" را که با سندندهای محافظه کاران جمهوریخواه پرورش یافته - که برای اهالی این منطقه ایالات متحده آمریکا امریست طبیعی - معتقد سازد که دست او را هم قطع خواهند کرد و یا بلاژی و حشمت کتری سرا خواهند آورد، اگر او زمانی جرات کند و از "بردم آهنین" عبور کند. و به همین علت هراقدای که دولت ایالات متحده آمریکا به خاطر نجات آن انجام دهد، تا بتواند با یک چنین مظاهر آشکار و وحشیگری مقابله کند، شرافتمندانه و قابل توجیه است.

شما عکس بفرستید من جنگ را راه می اندازم

در سال ۱۸۹۷ "ویلیام راندولف هرسنت"، صاحب امتیاز "نیویورک جورنال"، تلگرافی به مضمون زیر، که شهرت تاریخی دارد، به خبرنگار روزنامه خود در هاوانا مخابره کرد: "شما عکس بفرستید و من جنگ را راه می اندازم!" در واقع هم خبرنگار، عکس و تصویر

کند. مثلاً مطبوعات "وزین" از انتشار تصاویر هیجان انگیز انسان هایی که در زیر عذاب و شکنجه های قاتلان خود جان می دهند، احتراز می کند و از شیوه های به اصطلاح با فرهنگ استفاده می کند، تا ظاهر حق به جانب را حفظ نماید. در انگلستان "تایمز لندن" و در ایالات متحده آمریکا "نیویورک تایمز" و "واشنگتن پست" را از جمله "این گروه روزنامه ها می توان نامید. بدین ترتیب، میان مطبوعات یک تقسیم کاری به وجود می آید. برای طبقات حاکمه و بخش اعظم قشرهای میانه، که شایستگی آن را دارند، روزنامه هایی تخصصی داده می شود که پیش داوری ها و کهنه پرستی های آنان را تا سطح نزاکت و موازین اخلاقی امروزی ارتقاء دهد و به استحکام

معتقدات مشخصی آنان یاری نماید. این روزنامه ها توصیه ها و مشورت های "عقلانه ای" در امور سیاسی ارائه می دهند و می آموزند که به چه نحوی بهتر می توان شرافت و وجدان را با موحش ترین جنایات در تاریخ، که ما می دانیم چه کسی مرتکب آن ها شده است، هم آهنگ ساخت و سازش داد. اما برای توده های وسیع مردم مطبوعاتی اختصاص داده می شود که بطور مستمر در مورد مهم ترین رویدادها آنها را گمراه می کند، توجه آنان را از مسائل و مشکلات روزمره آنان منحرف می سازد، روحيات و احساسات ناسیونالیستی و شوونیستی آنان را برمی انگیزد و بدترین گرایش ها در این زمینه و حتی جنبه های نامعقول شعور و آگاهی آنان را تشویق و ترغیب می کند و با آنها را به "میهن دوستی"، به دفاع از "دمکراسی" و مبارزه علیه "کونیسم ملحد و مفسده جو"، فرا می خواند. این مطبوعات همواره گناه و تقصیر هر فاجعه اجتماعی و تاریخی را که، زابیده خود نظام سرمایه داریست به گردن قربانیان آن، به گردن "سرنوشت"، به گردن "خدا" و یا "دشمن" می گذارند و مقاصد و منظورهای شیطانی را به آن ها نسبت می دهند. من این سطور را قبل از انتخابات نوامبر ریاست جمهوری در آمریکا - نویسم و می بینم آن قانونمندی که من خاطر نشان کرده ام، چگونه دوباره تحقق می یابد. مثلاً این اظهارات ریگان گواه این مطلب است. ریگان در نطق انتخاباتی خود اعلام کرد: "مواضع ما را (منظور مواضع حزب جمهوریخواهان است) با پنج کلمه ساده، که همه خوب با آن ها آشنا هستند، می توان بیان کرد. ما به هیچگونه تئوری های عالی اقتصادی نیاز نداریم، ما به هیچگونه موعظه های سیاسی و فلسفی نیاز نداریم. ما به پنج کلمه کوتاه: خانواده، کار، مسکن، آزادی و صلح نیازمندیم.

به نظر خواننده چنین نمی آید که در پس این شعارهایی که تا مرز ابتدال ساده شده اند، آن روش سیاسی نهفته شده است که فرمول معروف وناسف انگیز "فرزند، مطبخ و کلیسا" را در خاطر ها زنده می کند، که فاشیست ها در زمان خود برای زنان آلمان تهیه کرده بودند؟ در دوران ما، این وضع بویژه خطرناک است که هر دو حزب بزرگ بورژوازی آمریکا، در خطوط کلی سیاست خود به یک نظر رسیده اند، که موجب چرخش شدید برآست میشود، یعنی سیاست اعمال فشار شدید به جهان

طبقه بندی روزنامه نگاری در آمریکا و غرب

البته روزنامه نگاری "وزین" در آمریکا و عموماً در غرب سالهای مدیدی است که سعی دارد از مطبوعات به اصطلاح "زرد"، که استعداد احماقانه ترین دروغ پردازیها را دارند، فاصله خود را حفظ

رسالیسم و قبل از همه به اتحاد شوروی به این امید که این سیاست موفقیتسی خواهد داشت. یک چنین تحولی در تاکتیک طبقاتی بیدرنگ و باروشن ترین وجهی در مطبوعات آمریکانیزبازتاب یافت. اگر در دوران معینی، به عنوان "گذشت" در برابر روند تشنج زدائی، آنتی-سوتیسم در مطبوعات آمریکانستاد سطح شکوه های مزمن حفظ میشود، اکنون برای احماقانه ترین جرندها، ضد شوروی، که نمیتوانند محصول کین توزی و پندارگرایی های بیمارگونه باشند، دروازه ها گشوده شده است.

منابع خبری روزنامه نگاران امریکائی چه کسانی هستند؟

در عرض سه سال فعالیت در مسکو به

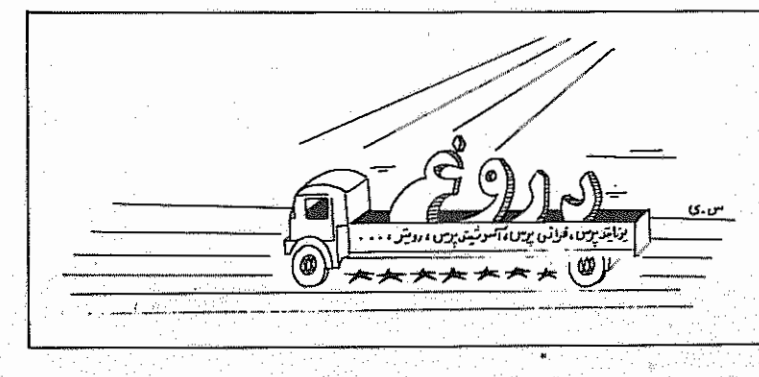
است - که با اولین خبرنگار خارجی که برخورد می کند، با طیب خاطر به درد دل و بی حرفی می پردازد، بخوبی آشنایی داریم. منحصص دیگری در امور شوروی، "دیپلمات غربی" است. نام این "دیپلمات" را هرگز نمی آورند، اما استعداد توانایی او در ناگهانی و واقعی و نامرئی زندگی شوروی، مانند احکام مقدسه به خواننده تلقین می شود. اظهارات این "دیپلمات" را هم مانند آن خبرنگاری که منبع اخبارش "شهروند ساده شوروی" است، نمی توان بررسی کرد و به صحت و سقم آن پی برد، زیرا فاکت و رقم به همان اندازه در آن نادر است که دندان در دهان مرغ، خبرنگاران امریکایی اگر شکل تازه ای برای رپورتاژ ابداع کرده باشند، حداقل شکل کهنه آن را به سطح تازه ای رسانده اند. منظور من رپورتاژهایی است که مطلقاً بر پایه شایعات، شوخی ها اظهارات بدون نام گوینده و بدون استناد به سند و آمار رسمی و واقعیات آشکار و شرایط مشخص معلوم، تهیه می شود. این ها منابع "قابل اعتماد" اخبار درباره واقعیت شوروی هستند، که معمولاً

تحریف و جعل اخبار بخاطر خدمت به جنگ روانی

چرخش ناگهانی در سیاست خارجی آمریکا

عنوان خبرنگار "دیلی ورلد" (و باید اضافه کنم در سراسر زندگی آگاهانه خود) من با علاقه قمندی ویژه ای ناظر آن بودم که چگونه حقایق درباره اتحاد شوروی را خبرنگاران "نیویورک تایمز"، "واشنگتن پست"، "لوس آنجلس تایمز" و "یونایتد استیتس نیوز اند رپورت" و دیگر مطبوعات، که من امکان داشتم اخبار آنها را در محل بررسی کنم، بدست می آوردند. و باید بگویم که اگر من کسی نبودم که به شیوه های تبلیغاتی بورژوازی آشنایی کامل دارم و بجای همان بانوی سالمند از "فینیکس"، که در آغاز این مقال از آن یاد شد، بودم، میتوانست تصورات عجیب و غریبی درباره واقعیت اتحاد شوروی در من بوجود آید. باز میگردیم به فلورالوئیز، خبرنگار "نیویورک تایمز"، که جهانگرد ساکن "فینیکس" را، که ممکن بود آنقدر ساده لوح باشد که انتظار داشته باشد مردم شوروی را در غل و زنجیر و یادر حالیکه راکت را برای پرتاب دور سرشان می چرخانند، مشاهده کند، بیاد متسخر گرفته است. اما اظهار نظرهای خود فلورالوئیز، خبرنگار "نیویورک تایمز" که در آن به این جهانگرد استناد شده و گویا مبتنی بر "درک" عمیق واقعیت شوروی است، که در دوره اقامت در مسکو در روزهای بازیهای المپیک بدست آمده به اندازه کافی گویا هستند. خبرنگار ویژه "نیویورک تایمز" می نویسد: "مقامات شوروی در واقع مساعی عظیمی بکار برده اند تا خاطرات و تاثیرات خوبی در مهمانان بازیهایی المپیک بگذارند. او بدین وسیله این تصور را تلقین میکند که اگر این مساعی عظیم بکار برده نشده بود خاطراتی که در مهمانان مسکو پدید می آمد، نه فقط خاطرات بدی بود، بلکه بحدی بد بود که مهمانان از مسافرت به مسکو برای سراسر زندگی پشیمان و مایوس باز می گشتند. بعضی مقامات شوروی چه اقداماتی بعمل آوردند که چنین خاطرات بدی در مهمانان بوجود نیاید؟ برای این منظور "آنها ناراضیان" و "خرد سالان" را، که به نظارت بر رفتار آنان ممکن بود خالصی از اشکال نباشد، از مسکو خارج کردند. و همین وس!

فلورا لوئیز در تأکید این نظریات "بر معنای خود" به "شهروندان ساده" شوروی "استناد میکند که بی حرفی و دهن لقی آنها از مرز پندارگراییهای مافوق تصور هم گذشته است. ماکه طی سال های مدیدی مرتب اینگونه اخبار را مطالعه میکنیم، با این نام مستعار "شهروندان ساده شوروی" که محصول خیال بافی های روزنامه نگاران غربی



نامه پرمضمون یکی از کارگران مبارز کهنسال به نامه «مردم»: کار باید مایه شرف و افتخار باشد



چهره و دست‌هایش حکایت از رنج سالیان دارد. انقلاب باید برای این دست‌هایی که آن را به ثمر رساندند، روزن نجات بگشاید، نجات از استعمار، نجات از بردگی قرون.

عدم ایمنی در تونل‌های زغال سنگ زرنده باعث کشته شدن چهار کارگر شد

در گفتگویی که با چند تن از کارگران داشتیم، یکی علت حادثه را اعمال مهندسی و تکنسین‌ها می‌دانست. چند نفر از کارگران هم علت را در کمبود وسایل ایمنی و حفاظت و سهل‌انگاری مسئولین در آموزش کارگران می‌دانستند. یکی از کارگران اظهار داشت که: از کپسول اکسیژن یکی از کارگران تا سه ساعت بعد از وقوع حادثه استفاده شده است و این نشان دهنده آنست که کارگر مذکور مدتی زنده بوده است.

روز ۱۸ آذرماه ۵۹، حدود ساعت چهار بعد از ظهر، در کارگاه استخراج زغال سنگ «دساندری»، واقع در معدن بزرگ باب نیزه (زرنده کرمان) در اثر ریزش کارگاه، چهارتن از کارگران جان خود را از دست دادند. یک تن از کارگران از اهالی زابل و سه نفر بقیه از ساکنین روستاهای اطراف باب نیزه بودند. جسد یک تن از کارگران به نام «زعمیم باشی» در روزهای اول و سه نفر دیگر هشت روز بعد از زیر آوار بیرون آورده شد.

در مورد کمک به خانواده چهار کارگر مزبور قرار شده، حقوق ثابت آنها که حدود سه هزار تومان در ماه است، به آنها پرداخت شود. این حادثه دردناک یکی از صدها سانحه تکان‌دهنده و مرگباری است که در این تونل‌ها رخ می‌دهد، و بیشتر آنها در اثر عدم حفاظت و ایمنی و سهل‌انگاری در آموزش کارگران برای کار در تونل‌ها است. مسئولین امور باید در این مورد توجه بیشتری بکنند تا جان این زحمتکشان، که پشتیبان اصلی انقلابند و کارشان سلاحی است برای مقابله با امپریالیسم آمریکا، به خطر نیفتد.

در گفتگویی که با یکی از تکنسین‌ها داشتیم، وضع تونل‌ها را اینطور تشریح کرد: «در این معدن شیب لایه زغال زیاد است (بین ۷۰ تا ۹۰ درجه) روش استخراج بسیار مشکل است (روش ستونی). همچنین از لحاظ میزان گاز-دهی، به اصطلاح معدن چیان، از نوع درجه اول است. به همین علت حوادث ناشی از گاز در این معدن به مراتب بیش از سایر معادن زغال سنگ است. لذا ایمنی و حفاظت بیشتری را نیز لازم دارد.»

به گفته همین شخص، این حادثه که در کارگاهی بطول ۲۵ متر اتفاق افتاد و باعث ریزش ۱۷ متر آن شد، در اثر پرتاب گاز زغال (متان) بوده است. ناگفته نماند که پرتاب گاز زغال کاملاً اتفاقی است. او در این مورد اضافه کرد که: «گاز متان در لایه و درزه‌های زغال سنگهای اطراف آن محبوس است و بطور ناگهانی رها شده و باعث حادثه می‌شود، البته برای این مشکل راه‌حلی وجود دارد و آن حفاریهای با قطر خیلی کم در سینه کار است که گاز بیرون رود. از راه‌حلهای دیگر آن اندازه گیری درصد گاز توسط گروه نجات و ایمنی است. که قبل از شروع کار، این عمل را باید انجام دهند و سپس دستور حفر را صادر کنند.»

در این مورد کمک به خانواده چهار کارگر مزبور قرار شده، حقوق ثابت آنها که حدود سه هزار تومان در ماه است، به آنها پرداخت شود. این حادثه دردناک یکی از صدها سانحه تکان‌دهنده و مرگباری است که در این تونل‌ها رخ می‌دهد، و بیشتر آنها در اثر عدم حفاظت و ایمنی و سهل‌انگاری در آموزش کارگران برای کار در تونل‌ها است. مسئولین امور باید در این مورد توجه بیشتری بکنند تا جان این زحمتکشان، که پشتیبان اصلی انقلابند و کارشان سلاحی است برای مقابله با امپریالیسم آمریکا، به خطر نیفتد.

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

انگیزد. تا زمانی که کارگر خوار و وضعیف است و تاجر و سرمایه‌دار و دلال و کارمند عالی‌رتبه چاق و فربه، امکان آبادانی وجود ندارد. اگر می‌خواهید کشوری داشته باشید نیرومند و مقاوم و آباد، باید روابط گذشته معکوس شود و این مهم بعهدده قانون کار است. اگر قانون کار چنان تدوین شود که اکثریت مردم را بگا رتغیب کند، طولی نخواهد کشید که جامعه مصرفی مامبدل به جامعه تولیدی خواهد شد.

کاشی چسبان روزانه سیصد تومان مزد می‌گیرد. اگر به یک جوان دیپلمه بیکار بگویی، بابا برو کاشی چسبانی یاد بگیر، براق می‌شود که حالا بعد از دوازده سال تحصیل بروم کاشی چسبانی؟ چرا این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کنند؟ برای آنکه کارگر حقیر است، کوچک است، بی‌مقدار است و گرگنه معلوم نیست در پشت میز نشینی بیش از سیصد تومان عایدش بشود. شاید هم قدری کمتر، اما او ترجیح می‌دهد. چرا؟ برای آن که اگر به کارگری افتاد، پرستیژ خود را در جامعه از دست می‌دهد.

در یکی از شهرکها هزاران تن سنجید زیر درخت‌ها در حال پوسید بود. پرسیدم چرا این‌ها را جمع‌آوری نمی‌کنید؟ گفتند کارگر نیست. در صورتی که در همان شهرک هفتاد هشتاد نفر جوان دیپلمه بیکار بودند آن سنجدها بهترین و مقوی‌ترین غذا، چه برای انسان و چه برای دام است. حتی هسته آنها پس از کوبیدن بهتر-بین خوراک برای طیور است و پوست آنها برای پروراندن از بهترین علفه است. با توجه به اینکه ما خوراک دام و طیور از خارج وارد می‌کنیم چرا آن جوانان این کار را نمی‌کنند؟ برای این که لغت کارگر موهن است و ایمن گناه نا بخشودنی به گردن نویسندگان قانون کار است. اصلاً چرا و به چه دلالی قانون کار مجزا از سایر قوانین تدوین می‌شود؟ در کشورهایی که بر پایه دیکتاتوری و زورگویی و بهره‌کشی فرد از فرد بنیان‌گذاری شده، قانون کار را برای مهار کردن و سرکوب کردن جنبش‌های کارگری تنظیم می‌کنند یعنی به دلخواه خود نفرین‌نامه‌ای به نام قانون کار می‌نویسند و کسانی که به نام نماینده بر مردم تحمیل شده‌اند آن را تصویب می‌کنند و بعد آن را مانند شمشر داموکلس بالای سر کارگران قرار می‌دهند.

اما در کشوری که می‌خواهد انقلاب شکوهمند و خلقی خود را به مثابه سمرق و نمونهای به جهانیان ارائه نماید و کشوری که باید مدارج ترقی و تعالی را بیاموزد و بالاخره کشوری که باید در برابر محاصره اقتصادی پایداری کند، باید از چنان قانون کاری برخوردار باشد که تمام اقشار مردمی را بگارد و کوشش جذب کند و در سایه کار و کوشش کشوری آباد و زیبا به جهانیان عرضه کند. من و زبیا به جهانیان عرضه‌کنند. من و زبیا به جهانیان عرضه‌کنند. من و زبیا به جهانیان عرضه‌کنند.

یادم می‌آید توی شرکت نفت، آن وقت‌ها که هنوز جوشکاری اختراع نشده بود، تانکها را با میخ پرچ می‌ساختند. یه روز، یه کارگر جوان در حین میخ پرچ‌کاری زده بود زیر آواز. وقتی صاحب آمد و دید بدش آمد. یه تیشی برداشت و رفت بالا و کوبید پس کله جوان بیچاره. جوانک بدبخت از آن بالا تالابی افتاد پایین ما نفهمیدیم مرد یا زنده ماند. آخه تا وقتی که ماشین آمد و او را سرد جرات نمی‌کردیم برگردیم و نگاه کنیم. هیچ قانونی از آن بیچاره دفاع نکرد. میگی کشور ما دارای هفت هزار سال تاریخ است. پس چرا به ما کشور عقب مانده اطلاق می‌شود؟ به خاطر آنست که به کار و کارگر اجر و منزلتی داده نمی‌شود و این نیز تفسیر قانون کار است و نویسنده آن. آخه قانون نویس که پای کوره کار نکرده. او که زباله جمع نکرده. او چه می‌دونه. او می‌که همینکه از گشنگی نمیره بسه. و همینکه زنده بمونه و فردا بازم بیاد سرکار بسه. اینقدر باشه که سرش به آخور خودش باشه. کارگره، دیگه بیمه که داره و بازنشنگی هم که داره. دیگه چی می‌خواد؟

اما بازنشنگی! بیایید و وجدان خود را قاضی قرار بدهید. بیشتر اطباء این کشور متفق‌القولند که میانگین عمر مردم کشور ما شصت سال است. تازه این برای اشخاصی است که در محیط سالم کارکنند نه آن کارگری که با مواد شیمیایی کار می‌کند، نه آن کارگری که در نقاط پد آب و هوا کار می‌کند. اما قانون کار ما بازنشنگی کارگران را در شصت و پنج سالگی تعیین کرده و اخیراً گفته‌اند اگر می‌خواهند شصت سالگی بازنشسته شوند، تقاضا کنند. چرا تقاضا کنند؟ این بی‌انصافی است. این ظلم است. در زمان طاغوت، همه قوانین به ضد کارگران وضع شده بود. حالا هم

"شنیده‌ام که برای کشور جمهوری اسلامی دست‌اندرکار تهیه قانون کار جدیدی هستند. من نمی‌دانم چه کسانی به تدوین قانون کار مشغولند. آیا آن کسانی که به این کار بزرگ پرداخته‌اند، به مسئولیت خود واقفند؟ آیا خود عملاً "کارگری کرده‌اند و از دردها و آلام این طبقه محروم مطلعند؟ من می‌خواهم راجع به قانون کار مطالبی بنویسم. اما گمان نکنید چون خودم کارگر هستم، می‌خواهم سنگ خودم را به سینه بزنم. نه، بهیچ وجه چنین نظری ندارم. اصلاً از من گذشته که بخواهم راجع به مادیات حرف بزنم. من شصت سال عمر و چهار سال کارگری توأم با فقر و مذلت را پشت سر گذاشته‌ام و در حال حاضر آن چیزی که بدردم نمی‌خورد، پول است، یعنی نمی‌توانم خرج کنم. شاید برای بعضیها تعجب‌آور باشد،

کارگران باید در تدوین قانون کار سهیم باشند

اما باور بفرمایید عین حقیقت است. آن روزها که جوان بودم و می‌توانستم بخورم، بهم ندادند. ظهر که می‌شد دو تا سیخ جگر و یه تیکه نون بربری کنار دیوار کارخانه سق می‌زدیم. همیشه نصف شکم خالی بود. پاره وقتها می‌گفتم تف به این دنیا و گلی به جمال آخرت. حالا که نمی‌توانم چیزی بخورم. مواد غذای و چربی برایم مضر است. میوه‌جات و سبزیجات حتی نمک برایم مضر است. معده‌ام بر اثر بدی تغذیه زخم شده و روده‌هایم بر اثر کم‌خوراکی خشک شده با این احوال اگر پول مولی داشته باشم، باید بگذارم واسه وراثت. اینارو نوشتم که باور کنید برای خودم نمی‌گویم. اصلاً برای کارگرها هم نمی‌گویم، چون آنها هم کامبیش به فقر و مسکنت و هتک حرمت و جنوب

قانون کار باید مظهر احترام به شخصیت کارگر و مقام والای او در جامعه باشد

گرانی بیشتر از همه گلوئی کارگران رو فشار میده. حال آنکه همین گرانسی وسیله پرورشیدن تجار بزرگ و محترکینه در تمام امور همین‌طور است. پول می‌رود طرف پول‌دار. کارگرها در این پاره ضرب المثلی دارند و می‌گویند: "از پیه میره سر دنبیه، که دنبه و رقله" بازتاب این ناهماهنگی‌ها آن شده که در افواه مردم کارگر فردیست خوار و ذلیل و بی‌مقدار و مردم می‌کوشند بهر جان‌کندنی شده یک دیپلم دست و پا کنند، تا لکه ننگ کارگری بدامان‌شان نچسبد. وقتی هم دیپلم را گرفتند بدنبال میز و صندلی صف می‌کشند. وقتی هم پشت میز نشستند آرزوهای خفته در نهادشان بی‌سار

شهرنشینی و بالاخره، فرورفتن تا خرخره در فقری به نام زندگانی کارگر خو گرفته‌اند. برای وطنم می‌گویم. برای آینده این آب و خاک می‌گم. می‌خوام بگم، اگر می‌خواهید کشوری آباد و آزاد و مردمانی مرفه داشته باشید، باید یک قانون کار شایسته و درخور یک کشور انقلابی داشته باشید، شخصی که به خارج سفر کرده بود، می‌گفت از یک کارگر اسفالت‌کار پرسیدم چقدر حقوق می‌گیری؟ جواب داد روزی چهل فرانک و از یک مدیر فروشگاه پرسیدم. او گفت روزی هیجده فرانک. وقتی علت این تفاوت را جویا شدم، طرف گفت من کارم راحت و آسفالت‌کار کارش

جمهوری اسلامی ایران باید از چنان قانون کاری برخوردار باشد که بتواند تمام اقشار مردمی را به کار و کوشش جذب کند

می‌شود و با هر نوع زد و بندی شده زندگی بر تحمل و لوکسی فراهم میکنند سایرین هم که چنین می‌بینند برای پشت میز نشینی سرو دست می‌شکنند. آنوقت است که امکان عبران و آبادانی به صفر می‌رسد. آخه آبادانی کار لازم دارد مگر نه؟ بدون کار هیچ کجای دنیا آباد نشده و نمیشه. کارم با زور و با زبان بازی پیش نمیره. حالا می‌گویید کارگر شریف است، عزیزاست، فلان است، بهمان است، فایده‌ای ندارد. به قول معروف "ز تعارف کم کن و بر مبلغ افزا". باید قانون کار چنان باشد که شور و شوق کارکردن را در مردم مخصوصاً نسل جوان و تحصیل‌کرده بر-

سخته، حالا بیایید وضع را با کشور خودمان مقایسه کنید. هرکس بخواهد به دیگری توهین کند، می‌گوید برو عمله. در صورتی که تمام این بناهای قشنگ را همان عمله‌ها ساخته‌اند و بعد از اتمام کار با آنها اجازه ندادند که پای دیوار آن عمارت بنشینند و نان و سرکه شیره خود را بخورند. در اینجا بالای درب باشگاه کارمندان می‌نویسند ورود سگ و کارگر ممنوع است. بسیاری از کارگران ما در موقع زناشویی خود را کارمند معرفی می‌کنند. چرا؟ برای آن که کمتر دختری حاضر می‌شود زن کارگر باشد. و باز هم چرا؟ برای آنکه قانون کار کارگر را بدبخت و تو سری‌خور معرفی می‌کند. البته نه قانون کار، بلکه نویسنده قانون کار مقرر است.

در شماره های گذشته "نامه مردم" به وضع برخی از روستاهای دهستان مهربان، از توابع همدان، اشاره کردیم. اینک به دنبال این گزارش توجه کنید:

قریه حسن تیمور

این قریه در ۹۲ کیلومتری شمال همدان واقع است. در این قریه، که جمعیت آن ۴۰۰ نفر است، ۶۲ خانوار زندگی می کنند، که ۲۷ خانوار خوش نشین اند و بقیه کشاورز، مالک این روستا از فئودالهای معروف همدان است، که علاوه بر این روستا، در چندین روستای دیگر نیز دارای زمین های وسیعی است.

۸۰۹ هکتار از زمین های دیمی حسن تیمور اکنون توسط نماینده هیئت هفت نفری، به مدت یکسال، به خوش نشینان واگذار شده است. واگذاری قطعی و قانونی زمین به سال آینده موکول شده است، به همین جهت خوش نشینان این روستا خواستار تسریع در واگذاری قانونی و قطعی زمینند، تا بتوانند فارغ از توطئه ها و تحریک های فئودالهای این روستا، به کشت و کار بپردازند. تنها حام این روستا خزینه های غیربهداشتی است. حسن تیمور تنها دارای یک مدرسه ابتدائی است. وضع راه های این روستا بسیار خراب است. با توجه به فرارسیدن فصل سرما، اهالی این روستا احتیاج مبرم به نفت و گاز زوئیل دارند. لازم به یاد آوری است که زمین های این روستا بسیار حاصلخیز اند و کشت و رزق منطقه می خواهد که به سهم خود کمک قابل توجهی به تولید کما و رزی کشور کنند.

جهاد ساز زندگی اقدام به لایروبی برخی قنوات کرد است ولی این کار به تنهایی کفاف زمین های پر وسعت حسن تیمور را نمی دهد. این روستا احتیاج به چاه های عمیق دارد. باید یاد آور شد که اهالی این روستا همگی آماده شرکت در بسیج عمومی اند.

قریه مسجد لر

این قریه واقع در ۹۵ کیلومتری شمال همدان است و نزدیک به ۱۸۰۰ نفر - ۴۵۰ خانوار - در این قریه زندگی می کنند، که ۱۰۰ خانوار خوش نشین و بقیه کشاورزند.

بمناظر تهیه بذر، جهاد ساز زندگی مبلغی را به عنوان وام در اختیار این قریه قرار داده است. مسجد لر فاقد درمانگاه است، ولی دارای یک مدرسه ابتدائی است. وضع راه های

این قریه بسیار خراب و مردم از نظر گاز زوئیل، نفت و مواد غذایی در مضیقه اند. لذا با توجه به فرارسیدن فصل زمستان شرکت تعاونی باید هر چه سریع تر این گونه کمبود های روستا را برطرف کند.

اهالی روستای مسجد لر آماده شرکت در بسیج عمومی اند و تاکنون گروهی از منقضیان خدمت ۵۶ این روستا به جبهه های نبرد علیه رژیم جنایتکار صدام اعزام شده اند. باید

روی این زمینها آغاز کنند. هیئت هفت نفری همچنین اظهار امیدواری کرده است که واگذاری قانونی زمین را در سال آینده به مورد اجرا گذارد. جهاد ساز زندگی در این روستا تمام قنوات رالایروبی و آماده بهره برداری کرده است.

در این روستا نیز از پزشک، درمانگاه و داروختری نیست و وضع بهداشت روستا بسیار نامطلوب و حتماً آن بصورت خزینه های غیربهداشتی است.

حمام دوشی است. جهاد همچنین قنوات این روستا را لایروبی کرده است. که این امر موجب خوشحالی اهالی روستا شده است. این روستا نیز فاقد درمانگاه، پزشک و دارو است. وضع راه های این روستا نیز بسیار خراب است و احتیاج به مرمت دارد.

اهالی این روستا نیز آماده خود را برای شرکت در بسیج عمومی اعلام کرده اند. روستائیان همچنین و اس گوسفند، مقدار فراوانی پنیر و انگور برای کمک به جنگ زدگان ارسال داشته اند.

خواست های این روستائیان عبارتند از:

- ۱- واگذاری زمین به صورت قطعی و قانونی بین خوش نشینان و دهقانان کم زمین وی زمین،
- ۲- احداث راه های مناسب،
- ۳- تهیه مایحتاج عمومی از قبیل گازوئیل و نفت.

در این دسته از دهات دهستان مهربان - استان

همدان - هیئت هفت نفری به حق زمین ها را دیگر در

اختیار بزرگ مالکان باقی گذاشته است، منتهی فعلا فقط یک ساله آنها را به خود دهقانان واگذار کرده است. همانطور که محمود دهقانان دهات مختلف می گویند:

ضرورت دارد که واگذاری قطعی و قانونی زمین هر چه زودتر انجام شود و چه بهتر که هیئت هفت نفری با حس مسئولیت به مسئله "انتخاب احسن" توجه کند و در هر جا که امکان پذیر است، زمینها را با مالکیت مشاع به دهقانان واگذار کند، تا

دسته جمعی و به صورت تعاونی آنها را کشت کنند. این طرز کار هم مانع اختلافات و دودستی خواهد شد و هم به ازدیاد تولید و استفاده بیشتر از امکانات فنی و مالی کمک خواهد کرد.

شن ریزی دارد. جهاد ساز زندگی این روستا اقدام به لایروبی قنوات و همچنین ساختمان یک حمام دوشی کرده است.

اهالی این روستا نیز آماده شرکت در بسیج عمومی اند و منقضیان خدمت سال ۵۶ این روستا آمادگی خود را برای اعزام به جبهه های نبرد اعلام کرده اند.

اهالی این روستا همچنین ۲ خروار نان، ۵۰ من انگور و مقداری وجه نقد برای کمک

به جنگ زدگان ارسال داشته اند. توجه مقامات مسئول را به خواست های این روستائیان جلب می کنیم:

- ۱- واگذاری زمین به صورت قانونی و قطعی،
- ۲- ایجاد چاه های عمیق جهت تهیه آب،
- ۳- ترمیم راه و همچنین رسیدگی به وضع آموزش و پرورش.

قریه گمین قلعه

این قریه نیز در شمال همدان و در فاصله ۹۰ کیلومتری این شهرستان واقع است و نزدیک به ۸۰۰ نفر جمعیت دارد. ۱۷۰ خانوار در این ده زندگی می کنند، که ۹ خانوار خوش نشین و بقیه کشاورزند.

مالک این ده دارای ۸۰۰ هکتار زمین است. یکی از دهقانان کم زمین در باره این شخص می گوید:

"مالک نصف زمین های ده را در مالکیت خود دارد. او همچنین مقدار زیادی از زمین های جنگلی را در اختیار گرفته است. او در گذشته ما را مورد آزار و اذیت قرار می داد. پس از انقلاب، ما زمین های این شخص را بین خود تقسیم کردیم" او همچنین افزود:

"هیئت هفت نفری عمل ما را تایید کردند و قول دادند که در سال آینده زمین ها را به صورت قانونی به ما واگذار کنند."

جهاد ساز زندگی این روستا در حال احداث یک

و غ آموزش این روستا دست کمی از وضع بهداشتی آن ندارد. یکی از اهالی در این باره می گوید:

"بچه های ما در کوچه و خانه سرگردا نند و باید فکری به حال ما کنند."

اهالی این روستا آماده شرکت در بسیج عمومی اند و تاکنون نیز منقضیان خدمت ۵۶ این روستا خود را برای اعزام به جبهه های جنگ معرفی کرده اند. مبلغ ۱۳۵۰۰۰ ریال وجه نقد و ۴ خروار نان و انگور نیز برای جنگ زدگان، از سوی اهالی این روستا ارسال شده است. مهمترین خواست های اهالی این روستا عبارتند از: تقسیم قطعی و قانونی زمین، بهبود وضع آموزش و پرورش و تاسیس حمام و ترمیم راه.

قریه آق بلاغ

این قریه در فاصله ۸۰ کیلومتری شمال همدان واقع است. جمعیت آن ۴۰۵ نفر و دارای ۹۱ خانوار است. خوش نشینان این ده، بدنیال در خواست هیئت هفت نفری، زمین های مالکین این ده را، که ۵۰ هکتار است، بین خود تقسیم کرده و به زیرکشت برد هاند.

اهالی آقبلاغ نیز از نداشتن پزشک و دارو در رنجند. آموزشگاه دوره ابتدائی این روستا فاقد معلم است. یکی از اهالی در این باره می گوید:

"علت نبودن معلم، بدی وضع راه این روستا است، چون از واسطه پائیز بسته می شود. فاصله این روستا تا جاده نزدیک به ۵ کیلومتر است. این جاده احتیاج به مرمت و

بزرگ مالکی علت درگیری و تشنج

روستای حسن آباد چاهش، یکی از روستاهای بخش خواجه ربیع واقع در شهرستان مشهد است. در این روستا ۱۰۰ خانوار سکونت دارند. دهقانان بی زمین و کم زمین روستا تا کنون به دفعات با زمیندار بزرگ برخورد داشته اند، که گاه بر اثر زورگویی بزرگ مالک به خشونت گراییده است. آنان بدین خاطر بکرات دست به اعتراضات دستجمعی زده اند. مسئله گری و اصلی این دهقانان زحمتکش، زمین است. اهالی تهیدست روستا توانستند اراضی بزرگ مالکان را زیر کشت ببرند، لیکن با افراد جماع دار و مسلح آنها مواجه شدند و در نتیجه عده ای مجروح گردیدند. مشکل دیگر روستائیان، آب، جهت آبیاری زمینهاست. اکنون دیگر بر همه آشکار است که مبارزات دهقانان تهیدست به حق

است و عامل تشنج و درگیری خود اربابان هستند. مقامات مسئول و انقلابی به روشنی می بینند که تاخیر در اجرای قانون اصلاحات ارضی در عمل به معنای ادامه ظلم ارباب و غارت دهقانان است، به معنای بازماندن دست زمینداران بزرگ در هموار کردن راه تحقق توطئه های جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا و ایجاد کانون های خشونت و درگیری است. قانون اصلاحات ارضی در کل روستاهای کشور مانع از سرایت سریعتر اجراء گردد دهقانان زحمتکش همچنین از مقامات مسئول و نهادهای انقلابی انتظار دارند که، ضمن رسیدگی به مشکل آب و همزمان با اجرای قانون، وسایل کار آنان را در اختیارشان قرار دهند، تا بتوانند در "جهاد کشاورزی" فرموده امام، برای بالا بردن سطح تولید فعلا نه شرکت کنند.

امام خمینی: به کشاورزان بگوئید مانع طرفدار فتووال هستیم نه طرفدار سرمایه دار.



بزرگ مالک اول: ببینم دشمن ما هم میزنند زمینها؟
بزرگ مالک دوم: نه بابا، دشمن ما همین هیئت هفت نفری تقسیم زمینها!

شخصی که زیر پوشش «حاکم شرع» دستور آتش زدن کتابفروشی آرش زاهدان را داده بود به جرم اختلاس، سرقت و سوء استفاده از مقام، تحت تعقیب قرار گرفت



* این شخص قبلا هم در آتشافروزیهای کردستان شرکت داشت.

«حاکم شرع» قبلی زاهدان، که دستور آتش زدن کتابفروشی آرش این شهر را داده بود، توسط دادسرای انقلاب زاهدان تحت تعقیب قرار گرفت.

همانگونه که در شماره‌های گذشته نامه «مردم» با اطلاع همگان رسید، کتابفروشی آرش در زاهدان، که کتاب و نشریات حزب توده ایران را بفروش می‌رساند، در روز دوشنبه ۲۶ آبانماه ۵۹، توسط گروهی اوباش، مورد حمله و تخریب قرار گرفت و به آتش کشیده شد.

بدنبال این حادثه و شکایت مسئولین کتابفروشی، عده‌ای از مهاجمین شناسایی شدند و تحت تعقیب قرار گرفتند، از جمله ۲ تن بنامهای «علی عمرانی» و «امیر میر».

«امیر میر» شخصی است که در حوادث خرداد سال پیش دانشگاه بلوچستان شرکت مستقیم داشته و با اسلحه یوزی خود شلیک می‌کرد. «علی عمرانی» نیز در طول بازجویی، ضمن اعتراف صریح به اعمال راجه‌نازه خود، گفت:

«حمله به دستور «صافدری» حاکم شرع زاهدان صورت گرفته است».

بدنبال این اعترافات از برنامه اخبار محلی سیبلی جمهوری

مسئولان دادسرا وعده داده‌اند به پیرونده دو مهاجم یادشده هرچه زودتر رسیدگی و مطابق قانون با آنان رفتار شود. فاش شدن هویت «حاکم شرع» قبلی زاهدان، یعنی شخصی که زیر پوشش یک مقام مذهبی - قضائی قبلا در کردستان آتشافروزی می‌کرده و سپس به سیستان و بلوچستان رفته است، یاردیگر صحت هشدارهای ما را درباره توطئه‌های وسیع ضدانقلاب تأیید می‌کند. امیدواریم مقامات مسئول با هشیاری و دقت بیشتر مانع اجرای توطئه‌ها شوند و اجازه ندهند که ضدانقلاب در لباسهای رنگارنگ موفق شود سیستان و بلوچستان را به کردستان دوم تبدیل کند.

آمریکایی از آن شکایت دارند (نیویورک تایمز)، ۳۵ ژوئیه سال ۱۹۸۵، می‌نویسد: «اکثر کارشناسان آمریکایی می‌دانند که آنها قادر نیستند اتحاد شوروی را درک کنند» (در حقیقت وجود دارد. اما علت آن به هیچ وجه در آن بغرنجی که گویا از دشواری‌های عظیم توضیح انگیزه‌های شوروی و یا محرک‌های درونی سوسیالیسم به وجود آمده‌اند، یعنی آن چیزی که مردم شوروی از زندگی می‌خواهند، نیست. این عدم درک ایجاد می‌شود، و در لحظه کنونی از بهانه ساختگی رویدادهای افغانستان برای آن استفاده می‌شود تا این عدم تفاهم تا مرز ایجاد یک شکاف غیر قابل عبوری توسعه یابد. با در نظر گرفتن تمام اوضاع و احوال، آیا درک این مطلب دشوار است که افغان‌ها، که طی صدها سال در عقب ماندگی و فقر و جهالت و بی‌سوادی به سر برده‌اند، صادقانه می‌توانند آزوری تحولی در وضع خود از راه انقلابی داشته باشند؟

آبادی این مطلب مشکل است که چرا در لحظه‌ای که کامیابی‌های انقلابی آنان، که با این همه مشکلات به دست آمده بود، از جانب شوروی ضد - انقلاب مورد تهدید قرار گرفت و آنها می‌توانستند از یک کشور سوسیالیستی تقاضای قانونی کمک بنمایند؟

آیامی‌توان در این مطلب تردیدی داشت که هم افغانستان و هم اتحاد شوروی پیشنهاد دربار «تعهد متقابل در مورد عدم مداخله» را، اگر چنین پیشنهادی از جانب دولت کارتر ارائه می‌شد، می‌توانستند به درستی درک کنند، زیرا کابل و مسکو طی چند ماه متوالی به قبول چنین تعهدی دعوت می‌کردند؟

در صورتی که «بانوی سالمندی از فنیکس»، که طی ۶۳ سال زندگی، اراجیف ضد شوروی به خورد او داده بودند، توانست در یک مسافرت کوتاه به مسکو، عناصر معینی از حقیقت و واقعیت در اتحاد شوروی را درک کند، پس چگونه است که برای «فلور اولوئیز» از «نیویورک تایمز» و صد هانفر همکاران وی، فاصله و شکاف بیشتری وجود دارد که به آنها امکان نمی‌دهد که واقعیت زندگی شوروی را درک کنند. اما به خوبی به آنها امکان می‌دهد که آن چیزهایی را در شوروی ببینند، که در حقیقت اصلا وجود خارجی ندارند؟

چنین به نظر می‌رسد که بر فرار آمریکا و اروپای غربی هنوز هم شیخ‌های «هرست» و «کریل» در بروازند و یکی از آنها هم چنان برای دامن زدن به تحریکات جنگی عکس و کارت می‌پستال می‌طیبد و دیگری دست دراز می‌کند، تا تخریب خلیج خود را برادر دو «دست‌های کودکان بلژیکی» را قطع کند و در عین حال گردن حقیقت را با این تیریزند.

پخش کرده بود، تکذیب می‌کند، اما تریتر، سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، در مصاحبه مطبوعاتی خود، به خبری که روز - دوشنبه پخش شده بود، استناد میکند.

و حالا به گزارش خبرگزاری «یونایتد پرسی اینترنشنال» در اول اوت از مسکو توجه کنیم: «یک افغانی مطلع طرفدار غرب، امروز اظهار داشت که صد نفر افغانی، که به مقامات شوروی مراجعه و تقاضا کرده‌اند به آنها امکان داده شود که به کشورهای غربی مهاجرت کنند، در مسکو زندانی شده‌اند، چهار نفر آنها راه افغانستان فرستادند، که بلافاصله در آنجا اعدام شدند. این افغانی که خواهش کرد نام وی ذکر نشود، هم - چنین گفت که احمد قاسم ظریف دانشجوی افغانی دانشکده مکانیک اتومبیل، که از پانزدهم آوریل باز - داشت شده، اعضای خانواده و اظهار کردند که او را به بیمارستان بیماریهی روانی انتقال داده‌اند. از این محافل به ما خبر دادند که در واقع به این دانشجو مواد مخدر تزریق کردند و او درباره دیگر دانشجویان افغانی، که قصد داشتند به کشورهای غربی بروند، اطلاعاتی کسب نمودند...»

ما هرگز دانشجوی افغانی، احمد قاسم ظریف، و چهار دانشجوی دوست او را، که تقاضا کرده بودند به کشورهای غربی بروند، ولی به افغانستان فرستاده شدند و در آنجا اعدام گردیدند، نخواهیم دید، به این دلیل ساده که اصلا چنین دانشجویی در حقیقت وجود نداشته‌اند!

و اخباری از این قبیل، یکی پس از دیگری، پخش می‌شود که هر یک از دیگری دروغ تر و شگفت‌انگیز تر است. صحت هیچ یک از این اخبار را هم نمی‌توان بررسی کرد و مشکل هم کسی پیدا شود که بخواند این کار را کند. رسیدگی در این مورد عملا غیر ممکن است و این مسئله که این اخبار تا چه حدی با واقعیت تطبیق می‌کنند هم اهمیتی ندارد. با انتشار این اخبار، که آنرا جز تمسخر و دروغ کجی به عقل سلیم و منطق به چیز دیگری نمی‌توان تعبیر کرد، به طور ساده می‌خواهند به خواننده آمریکایی تلقین کنند که منطق معمولی، عقل سلیم و موازین عادی رفتار مورد قبول همگانی را، از این به بعد، می‌توان فراموش کرد و به کنار گذارد. هم‌این دروغ‌پردازی‌ها برای آن نیست که آنها را باور کنند، بلکه هدف از آنها اینست که در خواننده چنین تصویری ایجاد شود که، در کابل هر چه و مرج و بی‌ثباتی حکم فرماست و به همین علت دولت کارتر در اعمال چنین سیاستی محق است.

آیا روزنامه‌نگاران آمریکایی قادر به درک واقعیت زندگی شوروی نیستند؟

عدم درک واقعیت اتحاد شوروی، که در این روزها آنقدر روزنامه‌نگاران می‌شد، نداشت، به حدی ناگهانی بود که حتی در پاره‌ای از مراکز بورژوازی غرب هم موجب شگفتی و نگرانی گردید و چنین سؤالی در برابر آنان مطرح شد که: یک چنین جرحش تند و ناگهانی در تبلیغات به خاطر چیست؟ چه اهداف و مقاصد در پس اخبار و گزارش‌هایی که درباره افغانستان منتشر می‌شود و سراپا تحریف و دروغ بیشتر مانده است، نهفته است؟

غلو در دروغ‌پردازی در اخباری که تنظیم میشد به حدی بود که روزنامه‌ها می‌گفتند که این اخبار را منتشر می‌کردند، اگر قصد نداشتند خوانندگان خود را به درستی آن‌ها متقاعد کنند، چنین تصویری را بوجود می‌آوردند که بر عکس می‌خواهند که خوانندگان این اخبار را باور نکنند! در عین حال، پاسخ این پرسش‌ها در خصوصیات و موازین اخلاقی و معنویات آمریکایی دوران پس از جنگ نهفته است. رکلام، چنانکه می‌دانیم، نقش عظیمی در زندگی آمریکا دارد. از محصول روزانه ۱۳۱ هزار عاملین شرکت‌های رکلام، که در نواحی مختلف کشور، سالیانه دو میلیارد دلار هزینه صرف می‌کنند، گرفته تا رکلام‌های بازگانی در رادیو و تلویزیون و مطبوعات و سرانجام سخنرانی‌های رئیس‌جمهور آمریکا به عادت کرده‌اند که از یاد داد که یک فنجان قهوه می‌نوشند، اعلاناتی را که در آنجا جاداشوند. در آمریکا یکی سیستم مکانیسم دفاعی در برابر این هجوم انبوه رکلام‌ها به مغزهای آنان پدید آمده است. اما به هر جهت، اعتبارات و نیروی که برای رکلام مصرف می‌شود، برای سازمان دهندگان آن به هدر نمی‌رود، زیرا متن‌های نامرئی این رکلام، مانند تبلیغات درباره شیوه زندگی آمریکایی، رسوباتی در آگاهی و شعور آن‌ها پدید می‌آورد. آمریکایی‌ها دقیقاً سخنرانی‌های قبل از انتخابات شخصیت‌های سیاسی را نیز همین گونه می‌خوانند. مشکل بتوان شخص ساده لوحی را یافت که این سخنرانی‌ها را، همانطور که بیان می‌شود، درک کند. اما جان که «انترناسال هارالد تریبون» می‌نویسد: «نمایش‌های زندگی سیاسی، اغلب مهم‌تر از فاکت‌های حقیقی هستند. تأثیرات و خاطرات شخصی که، این یا آن نام در ریاست جمهوری، در سخنرانی‌های تلویزیونی خود در شنوندگان باقی می‌گذارد، وزین‌تر از زندگی نامه و یا سوابق وی در صحنه سیاسی و قانون گذاری است.»

تحریف و جعل...

بقیه از صفحه ۳

آن‌ها با مهمانان از کشورهای غربی، به خارج از شهر انتقال داده‌اند. از چنین خبری، یک خارجی، چه سا دلوح مانند «بانوی جهانگرد از فنیکس» و چه بانوی کمتر ساده لوحی مانند این بانوی توصیف شده توسط خبرنگار «نیویورک تایمز»، احتمال زیاد دارد که نتواند واقعیت را از منظور مغرضانه نگارنده خبر تشخیص بدهند، زیرا در حقیقت کارکنان از شهر خارج کرده‌اند. این شیوه‌ها را به عنوان «نفوذ و رسوخ» روزنامه نگاران بورژوازی به «اسرار روسیه شوروی» به خورد خوانندگان می‌دهند و مقاله فلورا - لوئیز در این مورد هنوز از نمونه‌های برجسته آن بشمار نمی‌آید. علاوه بر این، باید افزود که مقاله فلورا لوئیز مشحون از استفاده‌های مشروط در ارتباط با بسیاری از گزارش‌های کهنه است، که نسل‌های متعدد خبرنگاران، در زمانهای مختلف، برای روزنامه‌های خود فرستاده‌اند. آن خوانندگان مطبوعات غربی که، با تجربیات چندین ساله با این شیوه آشنا هستند، حتی به طور ناخودآگاه این استعارات شرطی را در می‌یابند، یعنی بین سطوری نوشته‌ها را می‌خوانند و نتیجه‌گیری‌های لازم را، که در واقع کاملا مطابق آن چیز است که نویسنده می‌خواهد به آن‌ها تلقین کند، به دست می‌آورند.

چنین به نظر می‌رسد که «جنگ روانی»، که در نتیجه تحریف واقعیت و منطق به وسیله دست‌اندرکاران امور تبلیغاتی به وجود آمده، در شرایط تشنج‌زدایی، که به آشنایی و نزدیکی بیشتر خلق‌ها با یکدیگر مساعدت می‌کند، به پایان خواهد رسید و اگر هم از این شیوه فعالیت آن‌ها جلوگیری نکنند، به طور ساده به این گونه تبلیغات بی‌اعتنایی شود و از سر راه همکاری مسالمت‌آمیز بین المللی برداشته شود. اما اکنون وضع دیگری پدید آمده است. کارتر اعلام کرده است که:

«رویدادهای افغانستان بزرگترین خطر برای صلح از دوران جنگ دوم جهانی تاکنون است.»

پس از این اظهارات کارتر، برای روزنامه‌نگاران غربی دیگر هیچ اشاره و دستور دیگری لازم نبود. در نتیجه حجب و حیاء و متانت یکباره کنار گذاشته شد. شیخ‌های «کریل» و «هرست» زنده شدند. حالا به جای کودکان بلژیک، دست هزاران هزار کودک افغانی را قطع می‌کنند. روزنامه‌نگاران آمریکایی در مسکو، که جیره خواران مستقیم «سیا» هستند و از این که محصور بودند محدودیت‌هایی را که تسخیر زدایی و همکاری بین‌المللی به آنها تحمیل کرده بود، در نظر بگیرند، خسته شده بودند، یکباره بال و پر درآوردند و امکان یافتند که «هنر» خود را به نمایش بگذارند.

تحریف و دروغ‌پردازی در گزارش‌ها و اخبار به حدی لجام گسیخته بود و این جرحش در تبلیغات، که هیچ‌گونه سناسمی یا آن انگیزه‌ای که به آن استناد

(از فیلیپ بونسکی، روزنامه‌نگار آمریکایی - مندرج در مجله کمونیست - ارگان شورویک و سیاسی کمیته مرکزی - حزب کمونیست اتحاد شوروی، شماره ۱۵ اکتبر ۱۹۸۵)

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان به حضور سدهاهازار افغانی در شرق کشور اعتراض و تاکید کرد که این افراد فرصت طلبانه به ایران آمده اند و با قاچاق و اختلال در امور مختلف، زندگی مردم منطقه را مختل کرده اند.

در آغاز این جلسه، حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری، نماینده مردم شبستر به عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن گفت. وی، ضمن انتقاد از شیوه فعلی ایراد نطقهای قبل از دستور، از جمله گفت:

«هیچ نهاد دیگری در قانون اساسی نمی بیند که از نظر ارتباطش و نقشش به اندازه مجلس شورای اسلامی، نقش، اثر و اعتبار قانونی داشته باشد».

وی افزود: «نقش و وظیفه اصلی مجلس شورای اسلامی، حل مشکلات واقعی زندگی مردم است، مشکلاتی که پس از پیروزی انقلاب در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در مملکت پیدا شده است. با تبلیغ نمی شود یک نهاد را در جامعه جا انداخت. یک نهاد خودش باید در جامعه جا پیدا کند».

حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری پیشنهاد کرد: «یک گام اساسی مجلس بردارد برای تسنح زندگی از میان خود بیاورد... یک گام مؤثر می تواند این باشد که مجلس یک کمیسیون ویژه ای برای حل این قبیل مسائل تشکیل دهد و آن کمیسیون ویژه رسول تقاهم باشد. دوم تشکیل یک دایره سنجش افکار و بررسی مسائل... مجلس شورای اسلامی احتیاج به چنین دایره سنجش افکار و بررسی مسائل به شیوه علمی دارد».

حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری در پایان سخنانش گفت: «همه بازگشت کنیم به این خط (خط امام) و این راه را برویم. در این صورت مجلس قوت پیدا خواهد کرد و جا خواهد افتاد، زیرا مردم احساس می کنند که مجلس دارد مشکلات را حل می کند. این مجلس باید رسول وحدت و تقاهم باشد».

ناطق دوم پیش از دستور فرضی پورماکیانی، نماینده مردم آستارا، در سخنانش گفت:

«مهمترین مسئله ای که امروز دامنگیر جامعه ماست، امنیت قضایی است. البته این گفته، نه بمنزله تضعیف یک قوه است، بلکه صرفاً انتقاد است و ارائه راه حل».

وی افزود: «امنیت قضایی بطور خلاصه معنی اش حفظ جان و مال و ناموس و حیثیت مردم از تعرض است و این می تواند خودش عامل مهمی باشد در جهت حفظ وحدت ملی و انسجام یک ملت. اگر این را تضمین نکنیم و حفظ نکنیم، بسیاری از مشکلات داخلی ما حل می شود و آن تشویش خاطرها جای خود را به امنیت خاطرها خواهد داد».

ناطق همچنین خواستار ادغام تمام مراکز قضایی در دادگستری شد و گفت: «این امر به آن معنی نیست که ما توطئه چینان داخلی را همینجوری بگذاریم و میچال بدهیم هرکاری از دستشان برمی آید بکنند. بدان معنی نیست که هرکسی که بخواهد علیه انقلاب گام بردارد و توطئه بچیند، واهی کنیم و کاری بکارش نداشته باشیم».

نماینده مردم آستارا سپس، به صدور احکام متناقض توسط دادگاههای انقلاب اشاره کرد و علت آنرا عدم وجود یک قانون مشخص و روشن دانست و خواستار تدوین هرچه سریعتر این قوانین شد.

وی سپس به تراکم کالاهای در مرز آستارا اشاره کرد و خواستار فعال کردن گمرک این ناحیه به منظور جبران کمبودهایی که در کار گمرک جنوب ایجاد شده، گشت.

سپس اسدالله عالی پور، سومین ناطق قبل از دستور، درباره بیروزیهای نیروهای انقلاب در منطقه ایلام و فداکاریهای بیشمار مردم سخن گفت. وی از جمله گفت:

«عشایر ایل خصل که از عشایر بسیار سلحشور و رزمنده هستند، در طول ۳ ماه، داوطلبانه در مرزها حضور داشتند و دوش بدوش

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

کار بیشتر افغانی های مقیم ایران قاچاق فرشی است

* بیشتر افغانی های مقیم ایران امنیت مردم را سلب کرده اند

* مجلس شورای اسلامی باید رسول وحدت و تفاهم باشد

سایر نیروها علیه دشمن جنگیدند».

وی آنگاه از مطبوعات خواست که مردم را در جریان تمام مطالب مربوط به جنگ بگذارند.

آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی درباره اظهارات فرضی پور توضیحاتی داد و از جمله گفت:

«دادگاههای انقلاب زیر نظر شورای عالی قضایی فعالیت می کنند و فعلاً هیچ اشکال قانونی وجود ندارد».

سپس مجلس وارد دستور شد و گزارش کمیسیون امور اقتصادی و دارایی در مورد تصویب لایحه اضافه شدن مدت ۶ ماه به موعد تسلیم ترانزنامه و حساب سود و زیان شرکتهای تحت نظارت بنیاد مستضعفان، قرائت شد. در مورد این لایحه چند تن از نمایندگان به عنوان موافق و مخالف سخن گفتند. رضا اصفهانی در مخالفت با تصویب این لایحه، از جمله گفت:

«فلسفه تشکیل بنیاد مستضعفان این بود که حسابها روی یک میزان صحیح رسیده شود و سودی که دارد، به نفع مستضعفین صرف شود. یکسال پیش امام تاکید کردند بنیاد باید هر چه زودتر حسابش را برسد. چطور شده که هنوز ترانزنامه ای نتوانسته تهیه شود».

حجت الاسلام ناطق نوری در موافقت با تصویب این لایحه از جمله گفت:

«اکثر این شرکتهایی که تصیب اینها شده، دفترشان از میان رفته است و یکسری مدارکی هست که گویای واقعیتهای نیست در مورد این شرکتهای... از طرفی هم مدیریت بنیاد از روزی که تاسیس شده تاکنون، اکثر نمایندگان می دانند، که مراتب تغییر کرده است، و ۳ ماه نمیشود که مسئولیتی را رهبر انقلاب به دولت و جناب نخست وزیر واگذار کرده اند».

سپس در مورد ورود در شور مربوط به جزئیات لایحه رای گیری شد و مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت. آنگاه تمدید آئین نامه فعلی مجلس تا آخر سال جاری، به رای گذاشته شد و مورد تصویب قرار گرفت.

درباره افغانی های مقیم ایران

سپس سؤال تقوی از وزارت کشور در مورد تعداد افغانی هایی که به گفته وی «فرصت طلبانه» به ایران آمده اند و ضابطه ای که در مورد کنترل و شناسایی آنان وجود دارد و نیز اقدامات دولت در مورد مشکلاتی که بخصوص مردم قائلان در این زمینه متحمل شده اند، مطرح شد.

میرسلیم، معاون وزارت کشور، در این مورد توضیحاتی داد. وی از جمله ضمن اشاره به تهیه پرسشنامه هایی در مورد تهیه مشخصات این افغانیها، گفت:

«بعد از تحقیقات لازم برای آنها کارت مشخصات صادر می شود

که هیچ اعتباری از نظر دادن حتی به اینها ندارد. باستاند این کارتها و پرسشنامه ها، عددی نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر را می توانیم اعلام کنیم».

آنگاه تقوی، ضمن ناکافی دانستن توضیحات معاون وزارت کشور در مورد افغانی های مقیم منطقه، اظهار داشت:

«هیچکدام از مقامات کشوری به مناطق مرز نیامدند. اکثر اینها مسلحند، قاچاق فروشند، قبل از انقلاب، در حل انقلاب و الان... تمام بزرگ و کوچک منطقه را می شناسند، به هیچکس هم رحم نمی کنند... مردم آن منطقه امنیت ندارند. آسایش ندارند... یک چیزی هم طلبکار شده اند از مردم منطقه. وقتی به استانداری خراسان مراجعه کردیم، دیدیم همینها با کمال وقاحت، در استانداری اجتماع کرده اند و سهمیه قند و شکر میخواهند. اینها در منطقه کامیون خریدند، وانت خریدند، پارکشی می کنند. اینها کاری کردند در منطقه روغن نباتی ۵۰ تومن گیر مردم محل نمی آید. برای اینکه همین روغن نباتی کیلویی ۵۰ تومن را آن می گیرد با ۴ کیلو روغن تقلبی خودش مخلوط می کند، کیلویی ۱۵۰ تومن برمی گرداند... مسئله شخصی نبوده، مسئله منطقه، این مسئله کشور است».

ناطق افزود: «این آمار که آقای میرسلیم دادند، من به این علت می گویم، خودشان هم فرمودند، درست نیست. من در منطقه بودم. یک بنجیم آن مردم منطقه هم این کاغذها را برنگردند. در یک مملکتی که خودش در حال محاصره است، در حال جنگ، از همه طرف تجاوز شده به این کشور، یک میلیون و چهارصد و پانصد هزار نفر آدم بخور، لش. این اصلاً مسئله ای را آورده است. بعد رفقا می گویند، شما نگوی، هجوم. از هجوم بدتر است. اصلاً آن منطقه اهل کار نیستند. اینها ییل به دستشان نمی گیرند. هیچکس ندیده اینها ییل بدستشان بگیرند. هیچکس ندیده اینها کشاورزی بکنند. کارشان فقط با موتور و تانکهای قاچاق فروشی است. بنابراین من خواهم از دولت، استدعای من اینست، برای حفظ امنیت منطقه شرق کشور، که بحمدالله فیلا از یک آرامش خوبی برخوردار است، قبل از اینکه ما دچار یک گرفتاری بشویم، که مسلماً معاون وزارت کشور می دانند مسئله چه است، اقدامی بکنند و چون این جواب بهیچوجه برای من و برای مردم منطقه و برای مردم ایران هم قابل قبول نیست، استدعای اینست که سؤال به کمیسیون برود».

آنگاه سؤال دوم از وزارت کشور مطرح شد. زائری طر سخنانی، ضمن اشاره به سرقت ۸ میلیون تومان پول در تاریخ اول اسفندجاری در بندرعباس، و سرقت مشابه در چندماه قبل، که توسط عمال ضدانقلاب صورت گرفته است، از وزارت کشور در مورد اصل حادثه، پی گیری مسئله و اهماکاری مسئولان سؤال کرد. سپس میرسلیم ضمن اینکه جزئیات حادثه را تشریح کرد، گفت:

«این سرقتها بدست فراموشی سپرده نشده و در دست بررسی هستند».

وی سپس در مورد ادامه تحقیقات و اینکه عامل سرقت مهاباد شناخته شده است، سخن گفت.

پس از توضیحات معاون وزارت کشور، زائری ضمن سخنانی گفت:

«ما می دانیم چه عواملی کار نمی کنند و مراتب صبر می کنیم که خودشان درست میشوند. مواخذه کنید، آقا. اینها در بعضی موارد، دقت عمل ندارند و نمیخواهند کار کنند. دولت دستور اکید صادر کند که پول از بانکی به بانک دیگر منتقل نشود، مگر اینکه کلیه اقدامات امنیتی از قبل انجام شده باشد. اعلام می کنیم که دیگر تحمل نمی کنیم یک چنین سرقتهایی اتفاق بیفتند».

در پایان جلسه دیروز، آقای محمدی از نمایندگان خواست: نظر به اهمیتی که ترکیب کمیسیون اصل ۹۰ دارد، متن وظایف این کمیسیون را، که در اختیار همه کمیسیونها قرار گرفته است، بدقت مطالعه کنند، تا بشود بهترین نظری را که امکان دارد، اعمال کرد.

جلسه علنی بعدی مجلس امروز ساعت ۸ صبح تشکیل خواهد شد.

ضمیمه نامه مردم شماره ۱۰۹۹ منتشر شد

قادر به تحمل آن نیست. آقای مهندس بهزاد نبوی، وزیر مشاور و سخنگوی دولت بدرستی گفته است: «آمریکایی تواند وجود دولت جمهوری اسلامی را تحمل کند و به تمام وسائل متوسل میشود تا علیه انقلاب ما توطئه کند» (از مصاحبه مطبوعاتی، ۲۹ دیماه ۵۹)

که تا آلمان، یعنی زمانی که در روابط بهبود یابند، امریکا نباید تاسیس سپاه واکنش سریع را به سرعت دنبال کند، دیپلماتهای نظامی در منطقه با کشورهای مازند عربستان را گسترش دهد. به زبان دیگر، امریکا باید با تمام نیرو درناپودی انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران، بکوشد تا ایران دوباره به پایگاه نظامی و عرصه غارت امپریالیسم، بسرکردگی امریکا مبدل شود. بدینسان مساله «گروگانها» حل میشود، ولی مساله امپریالیسم امریکای انقلاب ایران حل نمیشود. است. برای امپریالیستهای امریکایی هیچ چیز تغییر نکرده است. انقلاب ایران از ریشه دیگری خطرناکتر، استوارتر، مقاومتر، هشیارتر و سربلندتر بیرون آمده است، و این همان چیزی است که امریکا بهیچوجه

مجبور کرد و آزادی «گروگانها» صورت حتمی بخود گرفت. (از آخرین مافوزها و کارشکنیهای محافل امریکائی میکدریم.) درست در چنین شرایطی است که هارولد براون اعلام می کند که: «آمریکا باید تاسیس سپاه واکنش سریع را به سرعت دنبال کند، تا از منافع خود حراست کند...»

اعلام کرد تا امروز، قریب به ۲ ماه میکدرم، امپریالیسم امریکا، که بیش از یکسال به بهانه «انساندوستی» و دلسوزی برای «شهروندان گروگان امریکائی»، تلاش کرده بود تا افکار عمومی امریکا و جهان را به حمایت از مداخلات گستاخانه خود در امر داخلی ایران جلب نماید و توطئه های براندازی خود را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران توجیه کند، کوشید تا از پذیرش شرایط جمهوری اسلامی ایران سر باز زند و با ایجاد جنجال تبلیغاتی گسترده ای، پیشنهادهای منطقی ایران را لوث کند و علیرغم امتناع از حل مساله «گروگانها»، به همین بهانه، بی-سابقه ترین تدارکات را برای یورش نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران دنبال کند.

امریکا با انقلاب... بقیه از صفحه ۱ اسناد بدست آمده از لانس جاسوسی آمریکا نشان دادند که امپریالیسم آمریکا، پیش از تسخیر لانس جاسوسی و «گروگان گیری» نیز تمامی تلاش و قوای خود را برای نابودی انقلاب ایران بکار انداخته بود و سخنان هارولد براون اکنون نشان می دهد که آزادی جاسوسان «گروگان» امریکائی در این هدف هیچگونه تغییری پدید نیاورده است. سخنان هارولد براون نشان میدهد که «بهانه ها» برای درنده سفاکی چون امپریالیسم آمریکا، پایان ناپذیرند و تنها استواری و پایداری انقلاب، بر توطئه ها نقطه پایان خواهد نهاد و امپریالیسم آمریکا را وادار به تسلیم در قبال آن خواهد نمود. از زمانیکه مجلس شورای اسلامی ایران، شرایط منطقی خویش را برای آزادی «گروگانها»



چین، برای رژیم آمریکایی پاکستان پایگاه نظامی می‌سازد

نشریه «تریبون» چاپ هند، ابعاد تازه همکاری‌های نظامی رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق با چین را افشاء کرده است. به نوشته این نشریه:

«چین ۶ پایگاه هوایی برای ارتش ضیاءالحق، ایجاد می‌کند. تعدادی از این پایگاهها در کشمیر قرار دارد.»

این نشریه می‌افزاید: «بعضی از این پایگاهها تا پایان سال جاری آماده بهره‌برداری خواهد شد.»

قبلاً نیز فاش شده بود که چین یک پایگاه دریایی در نزدیکی کراچی ایجاد می‌کند. همکاری‌های نظامی برتری طلبان پکن و رژیم سرسپرده پاکستان، که زیر نظارت مستقیم و تحت‌رهنمودهای امپریالیسم آمریکا صورت می‌گیرد، خطر جدی علیه صلح در منطقه بشمار می‌رود.

ضیاءالحق «گروگانگیری» جاسوسان امریکائی را «غیر اخلاقی» خواند

ضیاءالحق، دیکتاتور دست‌نشانده پاکستان، اخیراً در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی تعریف تازه‌ای از «اخلاق» ارائه کرده است. ضیاءالحق ضمن صحبت درباره «گروگانگیری» جاسوسان امریکائی در تهران، این اقدام را «غیر اخلاقی» خوانده است.

تشکیل دولت انقلابی در السالوادور

فرمن سین فرگوس، یکی از رهبران جبهه آزادیبخش فارابوندو-مارتی گفت: «بزودی یک دولت انقلابی در یکی از مناطق آزاد شده السالوادور تشکیل خواهد شد.»

فرگوس گفت: «در این دولت نمایندگان همه احزاب و سازمانهای سیاسی و اتحادیه‌های کارگری و روحانیونی خواهند بود که علیه رژیم دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا در کشور مبارزه کرده‌اند.»

جبهه «فارابوندومارتی» در آخرین بیانیه خود تأکید کرد که جنگهای شدید میان پارتیزانها و مردم مسلح از یکسو و نظامیان مزدور رژیم و سربازان کشور گواتمالا و هندوراس، که وارد السالوادور شده‌اند، از سوی دیگر، با شدت ادامه دارد و میهن‌دوستان پیروزیهای تازه‌ای بدست آورده‌اند.

خبرگزاری پرنسالتینا (کوبا) گزارش داد که میهن‌دوستان کنترل کامل یک چهارم کشور را بدست گرفته‌اند. نیروهای میهن‌دوست از سوی دیگر مواضع خود را در شهرها و روستاهای کوهستانی تقویت می‌کنند. در حالی که میهن‌دوستان پیروزیهای تازه‌ای بدست آورده‌اند، رژیم السالوادور به جنایات خود علیه خلق می‌افزاید. مأموران رژیم زیر نظر کدرشناسان امریکایی به کلیساهایی که افراد بیگناه در آن پناه گرفته‌اند، حمله می‌کنند و به بمباران گسترده مناطق پرجمعیت مبادرت می‌ورزند.

آمریکا در روزهای اخیر دهها هلیکوپتر نظامی در اختیار رژیم دست‌نشانده خود در السالوادور قرار داده است.

آندره گرومیکو:

«سمت اصلی سیاست خارجی اتحاد شوروی تلاش برای خلع سلاح و قطع مسابقه تسلیحاتی است»

آندره گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد شوروی، در مقاله‌ای در نشریه «کمونیست» خواستار تلاش برای خلع سلاح و قطع مسابقه تسلیحاتی شد و مبارزه در این زمینه‌ها را مسیر اصلی سیاست خارجی اتحاد شوروی خواند.

گرومیکو اضافه کرد: «اتحاد شوروی آماده است در این زمینه هر گام سازنده‌ای را که ضروری باشد، بردارد.»

وی گفت: «ما آماده‌ایم معاهده «سالت ۴» را با آمریکا تصویب کنیم.»

گرومیکو همچنین خاطر نشان ساخت: «اما ما نمی‌توانیم طرف کسی باشیم که هدفش بدور ریختن این معاهده است. ما یک طرف چنین مذاکراتی نخواهیم بود.»

گرومیکو گفت: «اتحاد شوروی آماده است در صورتی که آمریکا چنین تقابلی نشان دهد، بعنوان یک طرف برابر با آمریکا رابطه برقرار کند.»

وزیر خارجه شوروی خواستار مذاکره درباره موشکهای برد متوسط در اروپا و کنفرانس خلع سلاح و کاهش تسلیحات نظامی شد.

اعتراف کارتر:

امریکا با مشکلات حاد اقتصادی روبروست

جیمی کارتر در آخرین پیام سالانه خود به کنگره، اعتراف کرد که آمریکا با مشکلات حاد اقتصادی، بویژه تورم و کاهش روزافزون بارآوری کار و افزایش بیکاری روبرو است.

کارتر در پیام خود نرخ افزایش تورم را ده درصد اعلام کرد. اما بسیاری از کارشناسان اقتصادی عقیده دارند که رقم واقعی بسیار بیشتر است.

در ده سال گذشته نرخ بارآوری کار همواره در حال کاهش بوده است.

در گزارش کارتر گفته می‌شود که کسری بودجه آمریکا در سال مالی جاری ۵۵ میلیارد دلار خواهد بود. کارتر در دوران مبارزات انتخاباتی وعده می‌داد که در سال ۱۹۸۱ بودجه آمریکا کاملاً معتدل خواهد بود. کارتر اعتراف کرده است که افزایش کسری بودجه در درجه اول ناشی از افزایش مداوم بودجه نظامی است.

از سوی دیگر، شورای مشاوران ریاست جمهوری در گزارشی اعلام کرد که نرخ تورم در سال جاری ۱۲٫۵ درصد بوده و نسبت بیکاری به ۸ درصد نیروی کار خواهد رسید. در این گزارش اعتراف شده است که آمریکا دیگر قدرت مسلط در اقتصاد سرمایه‌داری نیست. مشاوران کارتر می‌خواهند با این سخنان، که همه کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته با مشکلات حاد اقتصادی روبرو هستند، مردم آمریکا را آرام کنند. این مشاوران در واقع می‌گویند: رشد تورم گرایش عمومی در کشورهای سرمایه‌داری است و بیکاری نیز در همه کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته پدید می‌آید.

بیکار مسلحانه خلق نامی بیا به رهبری سواپو (۳)

«سواپو» بیکار مسلحانه خلق را سازمان می‌دهد

سازمان «سواپو» در سال آغازین فعالیت خود تنها به شیوه مبارزه مسالمت‌آمیز تکیه داشت. در این دوران، رهبران «سواپو» با شرکت در کارزارهای اعتراضی و تحریم وسایل حمل و نقل و سینماها، توانستند اعتماد ژرف توده‌های مردم و دیگر سازمانهای سیاسی کشور را به خود جلب کنند و کارآیی سازمان «سواپو» را به نمایش بگذارند. طی مدت کوتاهی، ده سازمان سیاسی دیگر به «سواپو» پیوستند، از آنجمله: سازمان خلق آفریقائی نامی بیا، حزب خلق دیپویوت، گروه ویتویی، گروه هواچاناس، گروه وال‌گراس، حزب دمکراتیک نامی بیا و انجمن بقای جانماهر...

بدین ترتیب، «سواپو» هر روز درین توده‌ها از اعتماد و پشتیبانی بیشتری برخوردار می‌شود و در صحنه مبارزات سیاسی کشور وزن و اعتبار چشمگیری بدست می‌آورد. هم‌روند با کامیابی‌های پیایی جنبش‌های آزادیبخش در ده کشور مستعمره آفریقائی از طریق مبارزه مسلحانه، و تغییر تناسب قوا به سود نیروهای صلح و سوسیالیسم در عرصه جهانی، خلق نامی بیا نیز به رهبری «سواپو» بیکار مسلحانه آزادیبخش خود را آغاز کرد.

سام نوجوما در این باره گفت:

«سائهای طولانی ما از استعمارگران آفریقائی جنوبی دعوت می‌کردیم که به ندای ما گوش فرادهند. اما گوش آنها نداشتند. از «سواپو» به مبارزه مسلحانه دست یازد.»

در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳)، نخستین اردوگاه تربیت پارتیزان «سواپو» در برخی از کشورهای مستقل آفریقائی بوجود آمد. در سال بعد «سواپو» از جانب «سازمان وحدت آفریقائی» بعنوان یکانه نماینده قانونی خلق نامی بیا برسمیت شناخته شد.

سرانجام دو کنگره «ویندهوک»، در سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵) و «تاتگا» در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) مبارزه مسلحانه را، بعنوان عالی‌ترین شیوه بیکار آزادیبخش، ارزیابی کردند. نظر به گسترش پدیده مبارزه مسلحانه، تشکیل «ارتش آزادیبخش ملی» برای آزادی سراسر نامی بیا نیز به تصویب رسید. کنگره «تاتگا» ضمن محکوم ساختن اقدامات دولتهای امپریالیستی در پشتیبانی از جمهوری آفریقائی جنوبی - این عامل جنایت، کشتار و اشغال غیرقانونی نامی بیا،

مراتب سیاسی‌سازی عمیق سازمان آزادیبخش نامی بیا، «سواپو» را نسبت به کشورهای آفریقائی و جامعه کشورهای سوسیالیستی، که از هیچ کمک بی‌غرضانه‌ای به مبارزه عادلانه خلق نامی بیا دریغ نرزیده‌اند، ابراز داشت. در این کنگره سام نوجوما به رهبری سازمان برگزیده شد. این مقام همچنان در دست او قرار دارد.

در سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵) دادگاه دادگستری بین‌المللی، تحت فشار انحصارات امپریالیستی، مشروعیت رژیم اشغالگر آفریقائی جنوبی را در حفظ سلطه غارتگرانه‌اش بر این سرزمین برسمیت شناخت. ولی این امر، بنویه خود، موجب گسترش و فراگیرتر شدن مبارزه مسلحانه گردید.

اینک، رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی برهبری «سواپو» هر روز کامیابی‌های نوینی بدست می‌آورند و ناتوانی ارتش ۸۶۰۰۰ نفری آفریقائی جنوبی، علیرغم صرف بودجه عظیم ۳ میلیارد دلاری، کمک گرفتن از ضدانقلابیون آنکولا (اوینتا) و کاربرد انواع جنگ‌افزارهای مدرن در سرکوب نهضت پایداری خلق نامی بیا، نمایان تر می‌شود. براین اساس، پی‌یربوتسا، نخست‌وزیر آفریقائی جنوبی، از سر خشم، در در مصاحبه با هفته‌نامه آمریکائی «نیوزویک» اعلام داشت:

«اگر لازم باشد هر نوع سلاح، حتی سلاحهای اتمی را نیز برای حفظ سیاست آپارتاید بکار خواهیم برد». (نیوزویک، ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۰) دولت آفریقائی جنوبی، برای اعمال سیاست ضدبشری خود و تحکیم مواضع نژادپرستان، طی یورشهایی به بازداشت، شکنجه و کشتار مبارزان دست می‌زند. تنها در ۱۹۶۸-۱۹۶۷ بیش از ۵۰۰ تن تحت پیگرد و شکنجه قرار گرفتند. دولت نژادپرست آفریقائی جنوبی، با توسل به حربه زنگار بستن نقض «قانون تروریسم»، میهن‌دوستان را به کرسی اتهام می‌نشانند ولی این سیاهکاریها نه تنها هیچ خللی به اراده ستوار خلق نامی بیا وارد نمی‌سازد، بلکه موجب تشدید بیکار انقلابی مردم بخاطر تحقق اهداف والایشان می‌گردد. سام نوجوما، درباره حساسه بیکار و پایداری مردم نامی بیا به رهبری «سواپو» چنین می‌گوید:

«روزی که تاریخ نامی بیا آزاد و مستقل نوشته شود، مشخص می‌گردد که «سواپو» در-جائیکه دیگران سر فرود آوردند، با استواری مقاومت کرده است، و در راه مقدس آزادی آنجا که دیگران تن به سازش دادند، «سواپو» جانبازی کرده است.»

ادامه دارد

همبستگی جهانی با مبارزه خلق افغانستان

سازمان همبستگی خلقهای آسیا-آفریقا، خواستار همبستگی جهانی با مبارزه خلق افغانستان علیه ضدانقلاب، امپریالیسم و ارتجاع جهانی شد. دبیرخانه سازمان در بیانیه‌ای یادآور شد که لازم است همبستگی جهانی با مردم افغانستان هرچه بیشتر گسترش یابد. این سازمان مبارزه قاطع مردم افغانستان را علیه فئودالیسم مورد ستایش قرار داد.

سومالی پایگاه امپریالیسم امریکاست

اتیوپی ادعاهای رژیم سومالی را مبنی بر اینکه گویا ایتیوپی در مرزهای سومالی نیرو متمرکز می‌کند، کذب محض خواند. وزارت خارجه ایتیوپی در بیانیه‌ای اعلام کرد که این شایعات برای گمراه کردن افکار عمومی جهان درباره مقاصد واقعی سومالی پخش می‌شود. سومالی می‌خواهد باین ترتیب، اعطای پایگاه به امپریالیسم امریکا و دریافت سلاحهای مدرن از امریکا را پرده‌پوشی کند.

پیشرفتهای اقتصادی جمهوری دمکراتیک آلمان

ارزاقی که در جمهوری دمکراتیک آلمان منتشر شد، نشان دهنده افزایش هرچه بیشتر سطح رفاه مردم این کشور است. برنامه دولت در سال گذشته تقریباً در همه رشته‌های اقتصادی اجرا شد. تولیدات صنعتی ۷٫۴ درصد افزایش یافت. دستمزدها نیز به طور متوسط ۳٫۳ درصد بالا رفت. در سال جاری تولیدات صنعتی دست کم ۵ درصد افزایش خواهد یافت.

مبارزات مردم شیلی علیه رژیم پینوشه گسترش می‌یابد

مأموران پلیس، شصت تن زخمی شدند. همچنین دهان تن دیگر توسط مأموران پلیس پینوشه بازداشت شدند.

بزرگ این کشور صحنه تظاهرات مردم علیه رژیم جنایتکار پینوشه است. در چند روز اخیر در جریان تظاهرات مردم و درگیری با

مردم شیلی مبارزه علیه داردسته فاشیستی پینوشه را افزایش می‌دهند. تقریباً هر روز شهر سانتیاگو و دیگر شهرهای

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بوزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 425
21 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران